



اعلامیه کمیته مرکزی سازمان به مناسبت فرارسیدن سال نو! و بهار فرا می رسد!

بار دیگر بهار از راه می رسد! نوروز بر در می
کوبد! عید و شادی راه می کشاید!
بقیه در صفحه 2

پرتوان باد جنبش سراسری و متحد معلمان ایران!

بقیه در صفحه 10

دستگیری صدها معلم در تهران را محکوم میکنیم اعتراض «آموزش بین المل» به حکومت ایران

بقیه در صفحه 10

پوران بازرگان ، مبارز قدیمی راه آزادی و سوسیالیسم در گذشت

بقیه در صفحه 11

" دیدگاه "

سه سال انتظار!

هفتصد هزار معلم زیر خط مطلق فقر!

بقیه در صفحه 11

در چهارمین سال تهاجم آمریکا و متحدانش به عراق

در تظاهرات های ضد جنگ، فعالانه شرکت کنیم!

بقیه در صفحه 15

بدون شرح

بقیه در صفحه 16

حداقل دستمزد کارگران

برای سال آینده باز هم کاهش یافت

به گزارش خبرگزاری فارس، شورایی عالی کار ، حداقل دستمزد
کارگران را برای سال 86 ، ماهانه 183 هزار تومان تعیین
کرد.
بقیه در صفحه 3

از میان درس های جنبش معلمان

جنبش به مثابه امر "خود رهان" یا به مثابه سیاهی لشکر

بقیه در صفحه 4

تقی روزبه

پاسخ به روحانیت!

ارژنگ بامشاد

بقیه در صفحه 7

گزارش مراسم روز جمعه 25 اسفند در گلزار خاوران

بقیه در صفحه 9

اعلامیه کمیته مرکزی سازمان

به مناسبت فرارسیدن سال نو!

و بهار فرا می رسد!

امیدهای مردمان کار و زحمت، مردمان خواهان شادی، آزادی، برابری و دنیائی بهتر، پر می کشد! اما پیام آوران مرگ و تباهی بیکار ننشسته اند. ابرهای تیره ی جنگ و ویرانی بر فراز کشور در حرکتند. ناوگان های مرگ در آب های خلیج فارس جولان می دهند و منتظر دستور از ستاد جنگ افروزان سلطه جو هستند. سازماندهندگان مرگ و جهل و تباهی در کشور نیز به امید طولانی کردن عمر حکومت ننگین خود بر پایه بحران آفرینی های جدید، مسئله انرژی هسته ای را با سرنوشت یک کشور و مردمان آن گره زده اند و بهانه به دست زورگویان مرگ آفرین می دهند. مرتجعان خرافه پرست کار را به جایی کشانده اند که تحریم های بین المللی، در آستانه ی بهار و عید نوروز، فشار اقتصادی بر مردم را دو چندان کرده و تأمین حداقل های زندگی توده ی وسیع را به تلاشی مشقت بار مبدل ساخته است!

دشمنان متحد، داخلی و خارجی، روی فریب مردم سرمایه گذاری کرده اند. آن ها قصد دارند سیاست های جنایت کارانه و ویرانگرانه ی خود را با پوشش دفاع از حقوق مردم به پیش برند. آن ها اگر در این تلاش خود موفق شوند، سال آینده را به سال ویرانی کشور و تباہ کردن روزگار مردم تبدیل خواهند کرد.

توده های وسیع مردم ایران نمی خواهند در این بازی مرگ و تباهی شرکت کنند. زیرا شرکت در این بازی خطرناک عواقب دهشتناکی در پی دارد. مردم از جنگ و مرگ و ویرانی و تحریم های اقتصادی نفرت دارند. آن ها زندگی را دوست دارند. به شادی و جشن و پایکوبی و چهره های خندان و سرشار از عشق به زندگی دل بسته اند. آن ها به فردائی بهتر و به دنیائی بهتر می اندیشند. و با همین امید بساط سلطنت را در هم کوبیدند تا بهار آزادی فرارسد. هر چند امید زیبایشان توسط تاریک اندیشان بر باد رفت و در چنگال مرتجعانی درنده خو گرفتار آمدند. مرتجعانی که شادی و امید به آینده را بر جوانان کشور حرام کرده اند؛ حقوق زنان را انکار می کنند و برابر حقوقی شان با مردان را نمی پذیرند و خرافات مردسالارانه را در هیئت قانون ارتجاعی شرعی مستحکم تر ساخته اند؛ به حمایت از کارفرمایان و سرمایه داران، حقوق کارگران و زحمتکشانشان را پایمال کرده و بر شدت استعمار افزوده اند؛ نه تنها حق تعیین سرنوشت خلق های تحت ستم را انکار کرده اند بلکه برای ارباب شان، زندان و چوبه های دار و جوخه های اعدام بر پا کرده اند؛ دانشجویان و روشنفکران و اهل هنر و ادب را به جرم آگاه

بودن و آگاه کردن به بند کشیده اند و انتشار کتاب ها و روزنامه ها و فیلم ها و تولیدات فکری شان را در جنبه ی سانسور و تکفیر نا ممکن ساخته اند. و فعالین جنبش های اجتماعی را به هر بهانه و هر ترفند در شکنجه گاهایشان به صلابه کشیده اند.

اما علیرغم تمامی این جنایات رژیم جمهوری اسلامی و با وجود تمامی تهدیدات امپریالیستی، امید مردم به زندگی و آینده ای بهتر به ناامیدی تبدیل نشده است. مردم ایران برای دست یافتن به دموکراسی، آزادی و برابری اکنون با عزمی استوارتر و با آگاهی بالاتری میجنگند و در مقابله با نیروهای اهریمنی مصمم تر از پیش جلو می روند. زیرا می دانند که اگر عرصه را به این بازی گران مرگ آفرین بسپارند، آینده ای تاریک تر از عراق در انتظارشان است. و امروزه این امید در هیئت مبارزات روزمره و ستایش برانگیز کارگران، معلمان، زنان، دانشجویان و دیگر اقشار مردم تبلور یافته و همبستگی شان رنگ و بوی تازه ای به خود گرفته است.

جنبش های اجتماعی چون جویبارهایی به سمت نزدیک شدن به هم در حرکتند تا به رودی خروشان تبدیل شوند. وقتی سندیکای اتوبوسرانی تهران و حومه در پیام خود به مناسبت هشت مارس بر همبستگی مبارزاتی خود برای دفاع از برابر حقوقی زنان و مردان تأکید می کند؛ وقتی دانشجویان دختر و پسر سراسر کشور در اقداماتی شکوهمند روز جهانی زن را گرامی می دارند؛ وقتی زنان مبارز در حمایت از باران در بند خود دست به اعتراض می کشانند؛ وقتی معلمان کشور برای دستیابی به خواست های برحق خود و در اعتراض به بی اعتنایی مقامات رژیم مبارزه ای شکوهمند را سازماندهی می کنند، و دانش آموزان را در کنار خود می یابند و... نشان می دهد که این جویبارها به هم نزدیک می شوند تا به هم به پیوندند. نزدیکی این جویبارها و این جنبش های مستقل نه فقط زمین زیر پای حاکمان مرتجع را داغ کرده است که امید تجاوزگران خارجی که به ترفند، خود را ناجیان مردم قلمداد می کنند، را نقش بر آب کرده است. تنها از طریق ادامه این راه با شکوه، از طریق متحد کردن صفوف مبارزاتی خود، از طریق ایجاد صف مستقل و متشکل توده ای و سازماندهی مبارزه ی مستقل می توان با خطری که هر روز نزدیک تر می شود، مقابله کرد. این راه روشن را باید با غلبه بر تمامی کاستی ها و ضعف های موجود در جنبش مبارزاتی ادامه داد. راه نجات دیگری متصور نیست.

فضای ایجاد شده و ارتقای جنبش های اجتماعی در سالی که گذشت نوید بخش بهاری زیبا برای مردمی است که شادی را دوست دارند، که زندگی را دوست دارند و برای آینده ی بهتری می جنگند.

نوروز بر شما مبارک باد!

کمیته مرکزی سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

اسفند 1385_ مارس 2007

حداقل دستمزد کارگران

برای سال آینده باز هم کاهش یافت

شورای عالی کار سال گذشته حداقل دستمزد کارگران را برای سال جاری 150 هزار تومان برای کارگران دائم و 180 هزار تومان برای کارگران موقت تعیین نموده بود.

به این ترتیب، شورای عالی کار، حداقل دستمزد کارگران برای سال آتی را باز هم کاهش داد. این واقعیتی است که علی رغم هیاهوی دورگینی که در اواخر هر سال که بنام افزایش حداقل دستمزد سالیانه توسط سران رژیم به راه می افتد، برای کارگران آشکار شده است. حقیقتی که بلافاصله با کاهش قدرت خرید واقعی هر ساله شان نسبت به سال گذشته درک می شود. روندی که باعث شده تا ارزش واقعی دستمزد کارگران نسبت به ده سال گذشته تا دو برابر و نسبت به زمان روی کار آمدن رژیم اسلامی تا ده برابر کاهش یابد.

به این دلیل، این حرکت مزورانه سران رژیم اسلامی که هر ساله در به اصطلاح مذاکرات سه جانبه در شورای عالی کار تکرار می شود، هر سال که می گذرد کمتر از جانب کارگران جدی گرفته می شود. چه آن 90 در صدی از کارگران کشور ما که این حداقل دستمزد هم سال ها است که با الغای رسمی قانون کار در چند سال اخیر دیگر شامل حال شان نمی شود و چه آن 10 در صدی که دستمزد هایشان به دلایل گوناگون عملاً پرداخت نمی شود. با این حال نمی توان از واقعیت صرف نظر کرد که این حرکت سران رژیم، چه از نظر قوانین خود رژیم و چه حتی بنا به آمار هائی که می دهند، حرکتی است غیر قانونی و غیراصولی و بنابر این قابل اعتراض، تعقیب و مجازات از جانب کارگران. البته به شرط آن که قانون در این کشور معنا پیدا کند و به شرط آن که کارگران نیروی به کرسی نشاندن قوانین را پیدا کنند. چرا که بنا به گفته "حمید حاج اسماعیلی" عضو هیات موسس حامیان انجمن های صنفی کارگری، ماده 41 قانون کار، تعیین دستمزد را بر اساس 2 گزینه شاخص کلی میزان تورم اعلام شده از سوی بانک مرکزی و سبب هزینه خانوار قرار داده است. سبب هزینه خانواری که بیش از 50 قلم کالاهای اساسی بین 400 تا 500 درصد افزایش داشته است. وی با اشاره به قیمت بالای مسکن و اینکه اغلب کارگران مستاجر هستند، گفت: در حال حاضر خط فقر اعلام شده از سوی مراکز اقتصادی و دولتی 400 هزار تومان است، در حالی که کارگران کشور یک سوم این مبلغ را می گیرند و بسیاری از کارگران نیز کمتر از 150 هزار تومان می گیرند. جالب توجه است که حتی این به اصطلاح افزایش حداقل دستمزد های سالیانه که با نرخ تورم 13 درصدی اعلام شده از جانب بانک مرکزی در به اصطلاح مذاکرات سه جانبه تعیین شده مورد توافق برخی از کارفرمایان هم نیست. به گزارش خبرنگار دولتی گروه کارگری ایلنا، "عباس وطن پرور" که یک مقام کارفرمایی است، با احتساب تورم 20 درصدی و پرداخت 6 در صد از مطالبات معوقه سالهای گذشته کارگران، مدعی شده که دستمزدهای سال آینده کارگران نباید کمتر از 25 درصد افزایش یابد.

با این حال بیزاری کارگران ما از سیاست کاهش تدریجی حداقل دستمزد های واقعی سالیانه شان که حالا به کمتر از

نیمی از حداقل سبب هزینه خانواری و با خط فقر رسیده، به زیرپا گذاشتن موادی از قانون کار اسلامی توسط سران رژیم محدود نمی شود. چرا که با الغای رسمی کل قانون کار، باز هم قرار نیست که حتی همین حداقل نیز همان طور که اشاره شد شامل بیش از 90 در صد از کارگران این کشور شود. و همین طور با به زیر سنوال رفتن امنیت شغلی و اصل پرداخت دستمزدها، بنا به گفته عضو هیات رییس کانون عالی شوراها، اسلامی کار کشور، صحبت از مزد بیشتر و سایر موارد را بیهوده ببینند. به عنوان نمونه بنا به گفته عضو هیات تشخیص اداره کار بهشهر 99 درصد کارگران شهرستان بهشهر قراردادی هستند. "عنایت طالبی"، در گفت و گو با خبرنگار دولتی گروه کارگری ایلنا، افزوده است که بیشتر کارگران قراردادی در زمان امضای قرارداد کار برگه سفید را امضا می کنند، این در حالی است که هنگام دریافت حقوق، میزان حداقلی که شورای عالی کار مصوب کرده را نمی توانند از کارفرمایان بگیرند و به دلیل نبود اشغال، کارگران ناچارند به خواسته های کارفرمایان با حقوق بسیار پایین تن بدهند تا بتوانند امرار معاش کنند.

به این ترتیب، در شرائی که اصل دستمزد ها، که در بسیاری از کارخانه ها به دلیل رکود بی سابقه تولید و بحران وسایه شوم تحریم اقتصادی و جنگ، عملاً بیش از شش ماه تا دو سال است که پرداخت نشده اند و هم چنین از بین رفتن امنیت شغلی، جانی برای امید بستن به مذاکرات مثلاً سه جانبه از نمایندگان قلابی کارگران و کارفرمایان با نمایندگان دولتی از آقازاده های فاسد و فاشیست که به عنوان بزرگ ترین کارفرمای کشور همه چیز را در انحصار خود گرفته اند، باقی نمی ماند. مگر امید به صفوف فشرده از هم بستگی و مبارزه روز مره جوانان، زنان و مردانی از همه مردم زحمت کش و ستمدیده ای که امکان زندگی شرافتمندانه و انسانی از آن ها گرفته شده است. این مبارزات که حالا از سطح این و یا آن کارخانه، این و یا آن مدرسه این و یا آن اداره فراتر رفته و در راه بندان جاده ها و تظاهرات در برابر نهادها و مجلس رژیم متمرکز شده اند، بی تردید راه خود را برای تحولات پایه ای و رهائی از نظام جهانی فساد و تباهی اسلامی و برقراری نظامی انسانی و مدنی و آزاد و برابر هموار خواهد کرد. به ویژه در شرائی که سران رژیم اسلامی به دلیل ناتوانی از تامین نیازهای پایه ای و روزمره مردم، زندگی آن ها را در برابر خطر نابودی تهاجم امپریالیستی و بربریت جنگ هسته ای قرار داده اند. جنگی که هدف آن تامین بقای رژیم بهای در خطر قرار دادن موجودیت کشور و زندگی مردم است. کارگران و زحمت کشان ما برای دستیابی به خواست های روزمره و زندگی انسانی شان، به جنبش رهائی بخش از خطر نابودی در جنگ هسته ای و تجاوز امپریالیستی، خطر رنج بی پایان برادر کشی در توطئه جنگ داخلی در تجزیه کشور و خطر تباهی در بربریت جنگ سالاران رژیم اسلامی نیازمند شده اند. ولی باید تاکید کرد که این جنبش هرگز نمی تواند از تاکید بر خواست ها و نیازهای مشخص، زمین و حتی روزمره اکثریت عظیم مردم و سازمانیابی مستقل، آزادانه و آگاهانه آنها بی نیاز شود. چرا که جنبش رهائی بخش مردم زحمت کش و ستمدیده ما تنها با تاکید بر این خواست های روزمره و نه با نادیده گرفتن آنها است که میتواند پا بگیرد.

کمیته مرکزی سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

11مارس 2007



از میان درس های جنبش معلمان

جنبش معلمان در تداوم اعتراضات و برگزاری میتینگ های پر شور خود در مقابل مجلس شورای اسلامی، که با حرکات اعتراضی در شمارگی از شهرستان ها هم همراه شده است، آخرین نوع از این گونه اعتراضات خود را روز پنجشنبه 17 اسفند در مقابل مجلس شورای اسلامی برگزار کرد. برای شرکت در این تظاهرات که برگزاری آن در ساعت 8 صبح و تحت هر شرایطی اعلام شده بود، بر طبق گزارش ها، عده زیادی حتی از ساعت 7 صبح برای شرکت در آن وارد میدان بهارستان شده بودند. برگزاری این تجمع گسترده، در شرایطی صورت گرفت که رژیم از قبیل تمامی تدابیر بازدارنده نظیر کنترل راه های ورودی و خروجی و مسدود کردن چندین ایستگاه مترو، تمرکز فوق العاده ای از نیروهای انتظامی و لباس شخصی ها و قطع تلفن همراه و باجه های تلفن موجود در محل و اقدامات مشابه بازدارنده دیگری را بکار گرفته بود. مهم تر از همه رژیم در یک یورش شبانه با حمله به منازل 20 تن از فعالین معلمان و دستگیری آن ها و از جمله 5 تن از نمایندگان و مسئولین تشکل های معلمان، بر آن شده بود که از این طریق فضای اعتراضی را کنترل کرده و با مرعوب کردن نمایندگان معلمان آن ها را در پیگیری مطالبات خود متزلزل کند. یورش شبانه به معلمان و سپس رهائی آن ها در همان شب و قبل از طلوع آفتاب، بخوبی اهمیت و عمق مخمضه ای را که سران حاکمیت در برابرش قرار گرفته اند، به نمایش می گذارد. در چنین شرایطی برگزاری میتینگ های متوالی (سه بار آن تنها در یک هفته) در حالی که رژیم از خشم برخورد می پیچد و اولویت خود را نیز بحران هسته ای و چالش با قدرت های بزرگ عنوان می کند، برآستی حاوی درس بزرگی برای همه فعالان و تلاش گران جنبش زحمتکشان و سایر جنبش های اجتماعی است. بی شک وجود تشکل های معلمان در این رابطه بسیار مهم است ولی تنها عامل نیست. در این مورد کانون صنفی معلمان در تحلیل خود از حرکت معلمان چنین می گوید:

" اکنون تشکلهای به یاری خدا و همدستی معلمان ایران و تهران قدرتی برتر از دولت دارند. هنگام آن است که شمع تبعیض و ستم را خاموش کنند"

بی تردید رژیم در برابر آمدن معلمان غافلگیر شده و علیرغم ژست ظاهری، سراسیمه و در درون خود، بویژه در میان نیروهای اطلاعاتی و

انتظامی حالت فوق العاده اعلام کرده و تمامی تلاش و تمهیدات خود را برای خاموش کردن این جنبش و خروج سریع از بحران بکار گرفته است. آن چه که باعث شد رژیم با عجله نمایندگان معلمان را از زندان جهت ایراد سخنرانی در مراسم اعتراضی علیه خود و برای شروع کردن مذاکره آزاد کند، چیزی جز حضور جنبش و پاکوبیدن آن در خیابان و در حمایت از نمایندگان خود نیست. در چنین شرایطی رژیم اگر بخواهد نمایندگان تشکل ها را دستگیر کند، در حقیقت باید خود را بطور مستقیم با جنبشی درگیر کند که می تواند منجر به گسترش آن و رادیکال تر شدن و سرایتش به اقشار دیگر گردد. رژیم بخوبی بیاد دارد که کشته شدن یک معلم در زمان شاه چه اعتراض گسترده ای را برپا کرد. بنابراین راه دیگری را برمی گزیند: سیاست تهدید و تطمیع نمایندگان تا شاید از این طریق بتواند هم در مذاکرات سروته مطالبات معلمان را هم آورد و هم با ایجاد شکاف بین معلمان و نمایندگان روند گسترش و رادیکالیزه شدن جنبش را کنترل کرده و در فرصت بعدی به سرکوب گسترده تری مبادرت ورزد. بهمین دلیل مقابله با ترفندهای شکاف افکنانه رژیم و خنثی کردن آن ها هوشیاری و فاطمیت ویژه ای را از سوی جنبش معلمان طلب می کند. تحلیل کانون صنفی معلمان تهران در مورد حرکت روز پنجشنبه نشان میدهد که نگرانی از تاکتیک فشار از بالا بر نمایندگان و کنترل جنبش از این طریق در میان معلمان وجود دارد. چنان که در بند 4 آن چنین آمده:

"از آنجا که متأسفانه در حرفهای آقای بهشتی فهمیدیم که خواسته های ما از نظام هماهنگ به سطح مطالبات تقلیل پیدا کرده معلوم می شود به ایشان فشار آورده اند تا از خواسته اصلی که همان هماهنگ بودن حقوق ما با جاهای دیگر دولت است عقب نشینی کند. که خوب ایشان حق دارند و اگر مرا هم شبانه از خانه خودم بگیرند و ببرند ممکن است حتی از ترس جانم تقیه کنم و خیلی از درخواستهایم به التماس دعا تبدیل شود." همین احساس نگرانی را در واکنش های صفوف معلمان نسبت به صحت یا جدی بودن نامه حداد عادل به رئیس جمهور برای تأمین بودجه لازم جهت لایحه نظام هم آهنگ پرداخت ها، ویا به عقب افتادن مذاکرات تا روز سه شنبه هفته بعد و نگرانی از سیاست دفع الوقت رژیم و دروغ بودن وعده و وعیدهای رژیم و... می توان مشاهده کرد.

بی شک رژیم ترفندهای گوناگون و متعددی را برای آرام کردن معلمان و ایجاد تنش در میان آن ها بکار گرفته و می گیرد که از آن میان می توان به دو گونه آن اشاره کرد: یکی سوء استفاده از اعتقادات مذهبی، بخصوصی به مناسبت ایام اربعین و فیلم برداری از آن ها در این رابطه، که حملگی مورد افشاء و اعتراض هوشیارانه معلمان قرار می گیرد. آن ها حتی در حرکتی درخشان و بیاد ماندنی، رژیم را وادار می کنند که از پخش



از میان درس های جنبش معلمان

صدای قرآن از بلندگوهای مجلس دست بردارد، و باین ترتیب نشان میدهند که حره افسون مذهب تاچه اندازه کارآئی خود را در نزد آن ها از دست داده است. و دیگری این ترفند رژیم که گویا انجام وادامه اعتراضات باین شکل و با این شعارها ومصاحبه با رسانه های خارج، موجب سوء استفاده دشمن می گردد. این حقه رژیم هم، باتوجه واکنش قاطع معلمان در مورد سانسور سیاست توطئه سکوت رژیم و رسانه باصطلاح ملی صدا و سیما و بهره گیری معلمان از رسانه های برون مرزی ازیکسو و استفاده از اعتراضات سراسری و تاکتیک تعطیل درس در مدارس و حتی تشکیل جمععاتی در نقاط دیگر شهر تهران (درسه ایستگاه پرجمعیت مترو) تا حدی خنثی شده است. اما صرف نظر از هوشیاری معلمان نسبت به ترفندهای رژیم، رمز تداوم و موفقیت تاکنونی جنبش را باید قبل از هر چیز در دو عامل مهم جستجو کرد:

نخست مستقل بودن آن از جناح های حکومتی و عدم توهم به هر دو جناح. اکنون در نزد آن ها حاجی (وزیر آموزش و پرورش دولت خاتمی) و فرشیدی (وزیر آموزش و پرورش دولت احمدی نژاد)، سر و ته یک کرباسند. لازم به اشاره است که بخش هائی از جنبش معلمان در اعتراضات سالهای گذشته خود هنوز به درجاتی نسبت به برخی جناح ها و عناصر نفوذی رژیم توهمات داشتند و لاجرم در موافقی حاکمیت می توانست با اعمال نفوذ خود آن ها را دچار سرگردانی و تشت کند. ولی خوشبختانه اکنون چنین نیست.

دومین و مهم ترین رمز بقاء و تداوم جنبش را باید در ترکیب توأمان حرکت جنبشی و تشکل و سازمانیابی جستجو کرد. بی شک این پدیده و بکارگیری آن بزرگترین آموزه ای است که هم جنبش معلمان برای تداوم و پیشبرد حرکت های بعدی خود بدان نیازمند است و هم بهره گیری از این تجربه برای بقیه جنبش های طبقاتی و اجتماعی واجد اهمیت است. چرا که در برابر رژیم هارو سرکوبگری چون جمهوری اسلامی که بی قانونی مطلق بر آن حاکم است، تنها ترکیب این دو عامل است که می تواند تداوم حرکت را تضمین کند. دستگیری و تهدید نمایندگان معلمان نشان می دهد که یکی از تاکتیک های اصلی رژیم برای کنترل حرکت، ایجاد شکاف بین نمایندگان و تشکل ها با بدنه است.

تجربه های بسیاری در سطح ملی و بین المللی همواره نشان داده اند که قدرت های حاکم و ارتجاعی، علی القاعده می توانند در شرایط مختلف و بدرجاتی، "رهبران" و فعالان جنبش های مردمی را بخرند یا مرعوب و متزلزل کنند و از طریق آن ها به هدف های خود نائل گردند. شانس انجام این کار معمولاً خیلی بیشتر از شانس خرید و یا مرعوب کردن خود جنبش هاست. تحلیل کانون صنفی معلمان ایران، در بند

5 تحلیل خود با اشاره به همین واقعیت می نویسد "کانون آسیب پذیر است اما جمعیت جلوی مجلس آسیب پذیر نیست. بلندگو را می توانند خاموش کنند اما فهم فرهنگی را نسبت به تبعیضی که درک می کند چه می کنند؟ پس اگر اقداماتی اینچنینی می کنند ما باید بدانیم که فقط موقتاً روی زخم چاکگی را بدون بخیه بسته اند. باور کنید چه با حضور کانون و چه بی حضور کانون معلم بیدار است و از تبعیض بیزار است."

والبتنه هرچه جنبشی بتواند پایه های توده ای خود را فعال تر کند، شانس موج سواری دشمن کمتر و کمتری شود. آن چه که به طبقات حاکم اجازه کنترل و بی اثر کردن جنبش از طریق کنترل از بالا و از طریق "رهبران" و نمایندگان را می دهد، همانا خود پدیده "رهبری" است که امکان کنترل جنبش از بالا توسط آنها را فراهم می کند. بهمین دلیل تقلیل این مسأله صرفاً به یک امر اخلاقی و خصایص افراد، و جستجوی علل آن در خیانت و ضعف رهبران نادرست بوده و منجر به نتیجه گیری ها و راه حل های غلط و نیم بندی می گردد. مثلاً نظیر جستجو و یافتن رهبران "انقلابی تر" بجای رهبران کنونی و امثالهم، و نه یافتن و تقویت مکانیزم های کنترل "رهبران" از سوی پائینی ها. علت اصلی امکان کنترل جنبش از بالا توسط رژیم و طبقه حاکم، قبل از هر چیز ناشی از پدیده جدا شدن و خلع ید قدرت از خود جنبش و بدنه آن و تمرکز آن در رهبری و رهبران است که منشأ اصلی فساد را تشکیل می دهد. بهمین دلیل ضروری است که جنبش ها از هم اکنون از سرسپردگی به رهبران و کیش اطاعت بیرون آمده و خود نقش فعال و مستقیمی را در تصمیم گیری های اصلی و کلان و نظارت و حسابرسی بر رفتار و عملکرد "رهبران" بعهده بگیرند و در حقیقت بجای سپردن نقش رهبری جنبش به افراد و عناصر معین، خود در حوزه های اصلی و کلیدی متقبل آن گردند. بهمین دلیل مراد از جنبش اگر به معنای سیاهی لشکر نباشد، و اگر به مثابه یک امر خود بنیاد و دارای ظرفیت خودرهان فهمیده شود، خشت اول این سمت گیری را از همین حالا باید نهاد و اگر از این منظر به پویائی و گوهرهائی بخش جنبش بنگریم، کلام نخستین آن چنین خواهد بود: رهبر بی رهبر، امر رهبری و هدایت جنبش توسط نخبگان را به چوپانان برای هدایت گله و به بورژوازی برای کنترل کارگران و شهروندان واگذارید. خود آن ها بقدر کافی در این هنر سررشته دارند و جنبش سوسیالیستی ورهائی بخش در این عرصه خود را رقیب بورژوازی نمی بیند که بجای مثلاً فلان بورژوا، در بهترین حالت، فلان کارگرا به نشانند و خیال کند که بدینسان راه رهائی خود را یافته است. همانطور که اشاره شد در اصل رهبری در خود جنبش و همراه آن است و از آن منفک نیست و با اندازه ای که از آن جدا شود و به افراد و عناصر تفویض گردد، ولو آن که این فرد کارگرا باشد، بهمان اندازه قدرت از منشأ و صاحبان واقعی خود

از میان درس های جنبش معلمان

تمرکز سرمایه بعنوان تجسم نیروی کار از خود بیگانه شده و حاکم بر آن است و این دو همزاد می توانند با سهولت و سرعت بیکدیگر تبدیل شوند. یک لحظه نباید فراموش کرد که قدرت جدا از توده ها منشأ همه شرها و سرآمده همه ناکامی های جنبش های توده ای و خودرهان است. بی تردید پذیرش عملی این مسأله، برای بورژوازی که جای خود دارد، حتی برای برای گرایشات و جریان های مدعی حمایت از جنبش ها امر ساده ای نیست. اما باید بدانیم که مضمون واقعی و نهائی دفاع از قدرت بیگانه شده با مزدحقوق بگیران و برقرار سرانان، چه بر آن آگاه باشیم و چه نباشیم، جز دفاع از امتیازات و مزایای جامعه طبقاتی و تیز کردن ابزار کنترل جنبش ها از سوی بورژوازی و تهی کردن مضمون رهائی بخش و انقلابی آن ها نیست.

بی گمان تاکتیک وقت گذرانی رژیم و انداختن مبارزه به دست اندازهای ایام تعطیلات نوروز، یکی از شگردهای اصلی رژیم برای خنثی کردن اعتراضات معلمان است. اما خوشبختانه راه پیشروی تاکتیک مزبور تا این لحظه به دلیل هوشیاری و پافشاری معلمان برانجام فوری خواست های خود و تعیین ضرب العجل های زمان بندی شده مسدود و دستکم دشوار شده است. رژیم اکنون در برابر دو گزینه سرکوب گسترده و یا پذیرش خواست معلمان قرار دارد. گزینه اول البته با توجه به واکنش ها و پی آمدهای سرکوب یک جنبش با خصلت توده ای در میان معلمان و از تاپ جهانی آن با مخاطرات نامعلومی همراه است. از همین رو برای نجات خود از مخمصه کنونی، ناگزیر است نهایتاً به در خواست معلمان تمکین کند. گرچه تمامی تلاش خود را برای مثله کردن مطالبات آنان و سپس کارشکنی در مرحله اجراء آن بکار خواهد برد. قابل پیش بینی است که رژیم هم چون مارزخم خورده، برای آن که مطالبات معلمان از آنچه موجود است فراتر نرود و وارد فازهای بعدی نشود و بخیال خود برای خنثی کردن بازتاب پیام های آن در میان سایر افشارزحمتکش، حتا پس از کسب پیروزی فشارهای گوناگونی را برای درهم شکستن مقاومت و تشکل ها و شبکه های مقاومت آن ها بکار خواهد گرفت. از همین رو نه فقط برای قطعیت یافتن عقب نشینی رژیم، جنبش کنونی باید هم چنان بر حضور هشیارانه و حضور در خیابان ادامه دهد و آمادگی خود را برای استفاده از اهرم اعتصاب ها و جلب همبستگی هر چه بیشتر سایر افشار زحمتکشان حفظ کند. بلکه حتی در صورت دست یابی به پیروزی در یک نبرد، برای خنثی کردن یورش بعد از پیروزی توسط رژیم، هوشیارانه آماده باشد تا در برابر مارزخمی خورده، از دست آوردهای خود دفاع کند.

جداشده و به مثابه نیروی قاهر و بیگانه ای در برابرش ظاهر می شود. تمکین به چنین روندی در بهترین حالت غلطیدن از مسیر دموکراسی مستقیم و مشارکتی به دموکراسی و کالتی و نمایندگی- یعنی اسیر شدن در تاروپود سیستمی است که جامعه طبقاتی و بورژوازی برای جدا کردن قدرت از توده ها و مسخ کردن دموکراسی ساخته و پرداخته است. بنابراین جنبش های خودرهان از آن گونه اسب ها نیستند که پابر زمین بکوبند و شیشه بکشند تا مگر کسی برای تاختن سوارشان بشود. برعکس از ویژگی های اصلی این نوع جنبش ها آنست که خود عنان نمایندگان را بدست گرفته و آن ها را کنترل می کند. آن چه که سازماندهی جنبشی با ویژگی خود رهان را از سازماندهی های بورژوائی- حتا از نوع جنبشی آن- متمایز می کند همانا فاصله گرفتن از سازماندهی نوع سلسه مراتبی و مبتنی بر اصل رهبری است که در آن قدرت از بالای پائین توزیع می شود. و حال آن که در نوع جنبشی - از نوع خودرهان، این بدنه و مجامع عمومی هستند که نقش اصلی را در تصمیم گیری ها و نظارت ها بر عهده دارند. واگذاری حق تصمیم گیری به "رهبران" و اتخاذ تصمیم گیری دور از چشم بدنه، همواره مهم ترین خطری است که موجودیت و حیات نوپای این گونه جنبش ها را تهدید کرده و آن را به سیاه لشکری فرمانبردار تبدیل می کند. سازماندهی جنبشی با تبدیل رهبران به سخنگویان، در پاسخگو کردن سخنگویان در برابر بدنه هائی که به کانون ثقل تصمیم گیری ها تبدیل می شود، در چرخش و تکثر سخنگویان، در نظارت بر عملکرد آن ها، در تقویت هم آهنگی گردان های به جای تبدیل آن ها به عوامل اجرائی صرف تصمیماتی که بیرون از آن ها گرفته می شود، تقویت شبکه های ارتباطی افقی در برابر عمودی و مبتنی بر سلسه مراتبی که وظیفه اشان تقویت اطاعت کورکورانه دستورات و منتزع کردن قدرت از خود صاحبان قدرت است و نظایر آن متعین می شود. نه در تقلیل آن به صرف جایگزینی یک کارگر به جای غیر کارگر در چهارچوب همان سیستم سلسه مراتبی. وقتی که مارکس در پرتو تجربه کمون پاریس دریافت که کارگران نمی توانند به صرف تصاحب ماشین دولتی بورژوائی آن را در اختیار خود بگیرند، بلکه باید آن را درهم شکنند، در واقع نظر به همین ماهیت اسارت آور ساختار سلسه مراتبی آن دارد. و بر همین قیاس کارگران با تصاحب ساختارهای بورژوائی قدرت و با تکیه بر آنها نمی توانند امر خود رهائی و خود حکومتی را که گوهر اصلی نظام سوسیالیستی و اندیشه پایه ای هر کمونیستی را تشکیل می دهد، به فرجام برسانند. نباید فراموش کنیم که تمرکز قدرت در بیرون از توده ها، همزاد

پاسخ به روحانیت!



خامنه ای رهبر رژیم اسلامی در دیدار با اعضای دوره ی چهارم مجلس خبرگان رهبری در روز پنج شنبه 2 اسفند 85 برابر با 22 فوریه 2007 ، هم زمان با پایان مهلت دو ماهه شورای امنیت سازمان ملل برای تعلیق غنی سازی اورانیوم، و بی توجه به نگرانی های شدید مردم از اوضاع کنونی، دیدگاه های خود را در زمینه های گوناگون بیان کرد. خامنه ای در سخنان خود موضع آن بخش از روحانیت که در دیدارهای هاشمی رفسنجانی از حوزه ی علمیه قم، اوضاع کشور را خطرناک ارزیابی کرده و گسترش تحریم های اقتصادی را به ضرر کشور می دانند و یا نگران حملات آمریکا به ایران هستند، را مورد حمله قرار داد و در پاسخ به آن ها اعلام کرد: " هیچ وضع فوق العاده ای در کشور وجود ندارد. چرا که صف آرای دشمنان در مقابل جمهوری اسلامی در تمامی 28 سال گذشته ادامه داشته است" و افزود: " امروز نظام اسلامی در مقایسه با 28 سال گذشته ، از جهات مختلف در قوی ترین جایگاه قرار دارد" او سپس مسئولان نظام را به صبر دعوت کرد و گفت: " صبر همیشه به معنای تحمل سختی ها نیست، بلکه به معنای استقامت و ادامه دادن راه است چرا که در غیر این صورت، هر نقطه ی توقف، به نقطه ی تهاجم دشمن تبدیل می شود".

موضع گیری صریح خامنه ای در مقابل موضع گیری های رفسنجانی و دیگر روحانیون و همچنین اصلاح طلبان که سیاست خارجی رژیم را باعث به بن رسیدن مذاکرات با غرب و تصویب قطع نامه شورای امنیت علیه ایران، می دانند، نشان می دهد که سیاست های دولت احمدی نژاد عموماً با تصویب دستگاه ولایت انجام گرفته است. از این رو او از دولت احمدی نژاد نیز قاطعانه دفاع کرد و گفت: " مسئولان دولت به معنای حقیقی کلمه، شبانه روز در حال مجاهدت هستند و با برنامه ریزی، اقدام و پیگیری، اهداف نظام و مردم را دنبال می کنند." با این دفاع از دولت و تأکید بر ادامه ی سیاست تکانی، تردیدی باقی نمی گذارد که جمهوری اسلامی راه درگیری با غرب را برگزیده است. و این انتخاب بی توجه به نگرانی شدید مردم از گسترش تحریم ها و یا حملات نظامی که به ویرانی کشور منجر می شود، بیاتگر آن است که سرنوشت مردم و کشور برای دستگاه رهبری رژیم اساساً مطرح نیست و آن ها بیش از هر چیز به فکر قدرت و تسلط خود بر کشور هستند. این سیاست غیر منطقی، بهترین هدیه ای است که جمهوری اسلامی می توانست به آمریکا بدهد تا بر سیاست های تجاوزگرانه ی خود تأکید بیشتری کند و

راحتتر بتواند دیگر کشورها را با سیاست های تهاجمی خود همسو سازد.

سیاست خامنه ای در مقابله با فشارهای آمریکا و دیگر کشورها، از ابتدا بر پافشاری بر مواضع رژیم و عدم سازش استوار بود. خامنه ای بارها در جمع بندی خود از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی سخن گفته بود که با هر عقب نشینی این کشور، فشار بر آن تشدید شد. از این روست که از همان ابتدا، سیاست او و همراهانش بر اتخاذ شیوه و مدل چینی مقابله با غرب و اصلاح طلبی داخلی استوار بوده است. فشارهای او بر دولت اصلاح طلبان نیز از این دیدگاه او ناشی می شد. دستگاه ولایت بر این ارزیابی است که هر نوع عقب نشینی راه را برای عقب نشینی های جدید هموار می کند.

اما این سیاست ویرانگر عملاً کشور را هم به سمت تحریم های گسترده ی اقتصادی و فنی سوق داده و هم خطر حمله و بمباران های گسترده ی ایران را بیش از پیش افزایش داده است. به دلیل این مواضع سرسختانه و خطرناک است که هاشمی رفسنجانی و بخشی از روحانیت که منافع گسترده ی خود را در خطر می بینند، تلاش کرده و می کنند که از اهرم مجلس خبرگان برای تغییر این مواضع بهره برداری کنند. هاشمی رفسنجانی در مصاحبه های گوناگونش پیرامون نقش و جایگاه مجلس خبرگان در کنترل سیاست های رهبری تأکید کرده است. او در چهارچوب سازماندهی این فشار دو روز قبل از حضور اعضای مجلس خبرگان در جماران، اعضای این مجلس را به دفتر مجمع تشخیص مصلحت نظام دعوت کرد و در آنجا بازهم تأکید کرد که: "مجلس چهارم خبرگان رهبری با توجه به دیدگاه های روشن گرانه ی رهبر معظم انقلاب می تواند به وظایف نظارتی خود فعال تر عمل کند." او قبلاً، نیز در این رابطه در مصاحبه با مسئولان فصل نامه "حکومت اسلامی" در تابستان 85 پیرامون نقش نظارتی مجلس خبرگان گفته بود: "مجلس خبرگان فرضش بر این بود که هر چیزی که به رهبری مربوط می شود را پیگیری کند مثل مجمع تشخیص مصلحت نظام، صدا و سیما، نیروهای مسلح و هر چه تحت امر رهبری است. این ها به مجلس خبرگان گزارش کار خودشان را به خبرگان بدهند و خبرگان هم سوال کنند و آن ها هم توضیح بدهند و احیاناً اگر اشکال و ایرادی هم بود، در همان جلسه مطرح شود تا همه در جریان قرار بگیرند. این به صورت قانون درآمد. اما وقتی بعضی از این نهادها دعوت شدند که در جلسه خبرگان حضور پیدا کنند تا گزارش عملکرد های خودشان را بدهند، دفتر رهبری مانع حضور آن ها در خبرگان شد و اظهار داشتند که رهبری نظرشان این است که این موضوع جزء وظایف خبرگان نیست. ایشان گفته بودند: " مگر دولت از این نهادها مستثنی است؟ همه چیز زیر نظر رهبری است. بله ، اگر شک کنید به این که رهبری در نصب مسئولین درست عمل نکرده است، شما می توانید این کار را بکنید." نقل این درگیری و اختلاف نظر میان مجلس خبرگان و دستگاه رهبری بر سر جایگاه نظارتی مجلس خبرگان و تأکید تازه ی رفسنجانی بر نقش فعالتر نظارتی مجلس

←

پاسخ به روحانیت!

خبرگان در شرایط فوق العاده حساس کنونی معنا و مفهوم خاصی دارد. روشن است که خامنه ای پیام رفسنجانی و بخشی از روحانیت که نسبت به آینده نگران شده اند را به خوبی دریافته است و تردیدی باقی نگذاشته است که قصد دارد با فشار روحانیت به مقابله برخیزد. از این روست که در دیدار با نمایندگان مجلس خبرگان، وظیفه ی نظارتی این نهاد را به کناری گذاشته و آن ها را به تصمیم گیری پس از مرگ خود حواله داد و گفت: " وظیفه اصلی این مجموعه بسیار مهم، تصمیم گیری در روز مبادا است. بنابراین نمایندگان خبرگان باید با معرفت، شجاعت و روشن بینی خود را برای ایفای مسئولیت خود در آن زمان لازم، آماده کنند." طرح دیدگاه های روحانیت در هفته های اخیر که خواهان اتخاذ سیاست دیگری از رهبری رژیم بودند، و رد قاطعانه ی این درخواست از سوی ولی فقیه، موجب تحکیم قدرت دستگاه نظامی - امنیتی و دولت منتخبان خواهد شد. خامنه ای چاره ای ندارد که برای مقابله با ناراضیاتی روحانیتی که بر بستر فشار افزایش یابنده خارجی از یک سو و خطر شورش های توده ه ای که زمین را زیر پای حاکمان اسلامی به لرزه در خواهد آورد، از سوی دیگر نگران آینده خود است، بیش از پیش به دستگاه نظامی - امنیتی حاکم تکیه کند. این به بدان معناست که سیاست سرکوبگرانه ی داخلی همچنان تشدید خواهد شد و خفه کردن هر نوع مخالفت خوانی نیز در دستور قرار خواهد گرفت. چنین روندی امکان بکارگیری سیاست دیگری در زمینه خارجی و در مورد انرژی هسته ای را نیز بیش از پیش مشکل خواهد کرد. تداوم سیاست ویرانگر تکنونی و تأکید ویژه بر آن عملاً دست سلطه گرایان آمریکایی و متحدان اسرائیلی شان که قصد حمله و بمباران تأسیسات اتمی و زیربنایی کشور را دارند بازتر خواهد گذاشت. بگذریم که حتی گسترش تحریم های اقتصادی که روز به روز از سوی کشورهای بیشتری به اجرا در می آید نیز فشار طاقت فرسانی بر مردم کشور وارد خواهد ساخت.

اتخاذ موضع سرسختانه و ویرانگر رهبری رژیم با تکیه بر دستگاه نظامی - امنیتی، مخالفت خوانی روحانیت و اصلاح طلبان را بی ثمر خواهد کرد. اکنون در شرایطی قرار گرفته ایم که دو نیروی دشمن مردم ایران، خود را برای درگیری های گسترده تری آماده می سازند. اکنون تنها حضور گسترده ی مردمی می تواند جلو یک فاجعه ی همه جانبه را بگیرد. هر چند دستگاه رهبری رژیم دم از این می زند که رژیم در قوی ترین موقعیت خود در 28 سال اخیر است، اما در صورتی که حرکت های مردمی گسترش یابند، تمامی این ادعاهای بی پایه به یک باره نقش می بازند. ما اکنون شاهد حرکت های گوناگون توده ای در کشور هستیم. تنها با گسترش این حرکت ها، با هم آهنگی اقدامات توده ای، با همکاری گسترده ی نیروهای طرفدار مردم می توان به شکل گیری صف مستقل توده ای خدمت کرد. تنها صف مستقل توده ای است که می توان هم سلطه گری ←

آمریکا و توطئه هایش را در هم بشکنند و هم در مقابل سیاست های ویرانگر رژیم سدی ایجاد کند و شرایط در هم شکستن قدرت اسلامی را فراهم آورد تا قدرتی از آن مردم ایجاد شود.

اکنون به نقطه ای نزدیک تر می شویم که بدون دخالت فعال و همه جانبه مردمی، بدون حضور مملوس توده ی ناراضی و مخالف با سیاست های ماجراجویانه ی رهبری رژیم، بدون سازماندهی گسترده اعتراضات توسط ایرانیان خارج از کشور، نمی توان جلو خطری که ایران را تهدید می کند گرفت. زمان به سرعت دارد از دست می رود.

4 اسفند 85 - 23 فوریه 2007

* پیوندها *

ایمیل روابط عمومی سازمان
public@rahekargar.net

تلفن روابط عمومی سازمان

0049-69-50699530

شماره فاکس سازمان

33-1-43455804

سایت راه کارگر

www.rahekargar.net

سایت رادیو برابری

www.radiobarabari.net

سایت اتحاد چپ کارگری

www.etehadchap.org

سایت رادیو صدای کارگران ایران

www.sedayekargaran.com

نشر بیدار

www.nashrebidar.com

نشریه انگلیسی ایران بولتن

www.iran-bulletin.org

توجه: مقالاتی که با کد " دیدگاه " مشخص میشوند، الزاماً بیانگر مواضع سازمان نیستند

سپس مادر " هیبت الله معینی" یکی از جان باختگان اعدام ها یک سرود فولکور "لری" را خواندند که جمع با ایشان همراهی کرد. بعد از آن دکتر فریبرز رییس دانا نیز سخنانی ایراد کردند. سپس خانم بهکیش که جمع کثیری از اعضا خانواده خویش را در اعدام ها دهه 60 و سال 67 از دست داده اند. در سخنانی از تمامی بازماندگان خواستند که برای زنده نگاه داشت یاد و خاطره تمامی این عزیزان خفته در خاوران خاطرات و سرگذشت زندگی آنان را مکتوب سازند تا برای نسل جوان تر باقی بماند که این پیشنهاد با استقبال شدید حضار مواجه شد.



گزارش مراسم روز جمعه 25 اسفند در گلزار خاوران

روز جمعه 25 اسفند ماه طبق روال سال های گذشته در آستانه آغاز سال نو در آخرین جمعه سال خانواده های قربانیان اعدام های دهه 60 و سال 67 و جمعی از فعالان سیاسی و اجتماعی و دانشجویی و جوانان به منظور گرامی داشت یاد و خاطره ی تمامی جان باختگان این اعدام ها در گورستان خاوران جمع شدند.

مراسم با قرار دادن گل بر سر مزار جان باختگان و قرار دادن عکس هایی از تعدادی از این عزیزان و با اعلام 1 دقیقه سکوت به پاسداشت یاد و خاطره تمامی جان باختگان راه آزادی و برابری شروع شد.

در خلال برنامه از طرف جمع حاضر سود "رود" در دست خاوران " آفتابکاران " خوانده می شد. در انتها برنامه مادر " انوشیروان لطفی" یکی دیگر از جان باختگان اعدام های سال 67 با تشکر فراوان از تمامی شرکت کنندگان از طرف مادران و خانواده ها از جمع خواستند که دست در دست یک دیگر سرود خوان یک دور کامل گلزار خاوران را ببیمایند و جمع نیز دست در دست یک دیگر با خواندن سرود حلقه ای را تشکیل دادند و سپس دور مزار خاوران شروع به حرکت کردند و سرود های " زده شعله در چمن" " برپا خیز" " آفتابکاران" هوا دلپذیر شد" "بیژن" " رود" و "انترناسیونال" را در طول مسیر با یک دیگر خواندند. در انتها برنامه نیز جمع با زدن حلقه بعد از خواندن دوباره سرود انترناسیونال با اعلام یک دقیقه سکوت به یاد تمامی جان باختگان راه آزادی و سوسیالیسم خصوصا رفیق پوران بازرگان که به تازگی فوت کرده اند برنامه را به پایان بردند.

نکته قابل توجه حضور چشم گیر جوانان بود که نسبت به سال ها گذشته بسیار بیشتر بود و رنگ و بوی خاصی به مراسم بخشیده بود و این امر مورد استقبال خانواده ها نیز قرار گرفت همچنین خوشبختانه برخلاف مراسم تابستان امسال حضور نیروی های امنیتی و اطلاعاتی بسیار کم رنگ و نا محسوس بود و مراسم بدون کوچک ترین برخورد و مشکلی از طرف آنان در آرامش کامل برگزار شد.

سپس یک از مادران ضمن تشکر از حضور حاضران ضمن گرامی داشت یاد و خاطره تمام از دست رفتگان برنامه را اعلام کرد. بعد از آن یک گروه موسیقی به اجرای برنامه پرداخت که با استقبال حاضرین در مراسم قرار گرفت. سپس علی رضا جباری از اعضای کانون نویسندگان به سخنرانی پرداخت. بعد از ایشان به دعوت مادران جان باختگان دکتر ناصر زرافشان که به تازگی بعد از 5 سال از زندان آزاد شدند برای سخنرانی آمدند. که با استقبال و تشویق شدید حضار روبرو شدند و شعار زندانی سیاسی آزاد باید گردد در فضای گلزار خاوران طنین انداز شد.

دکتر زرافشان در سخنان خویش گفتند که بهترین امری که یاد و خاطره ی تمامی جان باختگان خفته در خاوران را گرامی می دارد ادامه دادن راه آنان تا رسیدن به آرمان های انسانی می باشد. ایشان در بخشی دیگر از سخنانش با تاکید بر این که تلاش برای تغییر جامعه توقف نا پذیر است ابراز امید واری کرد که در راه ساختن یک جامعه آزاد و برابر با یکدیگر گام برداریم.



پرتوان باد جنبش سراسری و متحد معلمان ایران!

اعتراض «آموزش بین الملل»

به حکومت ایران

دستگیری صدها معلم در تهران را محکوم میکنیم!

فردون لی وون، دبیرکل «آموزش بین الملل»، به نمایندگی از 30 میلیون عضو این اتحادیه در 169 کشور جهان، در نامه ای به محمود احمدی نژاد رئیس حکومت اسلامی ایران، دستگیری صدها معلم در تهران را محکوم کرده و خواهان آزادی فوری و بدون قید و شرط بازداشت شدگان، گفتگوی دولت با نمایندگان معلمان، تامین حقوق فرهنگیان و تضمین فعالیت های اتحادیه های کارگری در ایران شده است. این نامه روز 25 اسفند ماه در بروکسل منتشر شده است:

جناب رئیس جمهور احمدی نژاد، من از طرف 30 میلیون عضو آموزش بین الملل (ابی آی) در 169 کشور برایتان نامه می نویسم و سرکوب خشونت بار و دستگیری صدها معلمی را که در سراسر ایران برای دستمزدی درخور تظاهرات می کردند محکوم می کنم.

ایران از اعضای قدیمی سازمان بین المللی کار (آی ال او) است و بنابراین ضروری است که از بیانیه آی ال او در مورد اصول بنیادین و حقوق کار که آزادی تجمع و حق قرارداد جمعی را تضمین می کند تبعیت کند. این حقوق به همه اتحادیه های کارگری و انجمن های حرفه ای از جمله انجمن های متعدد معلمان فعال در ایران مربوط می شود.

معلمان برای تانید حقشان در دستمزدی شایسته زندگی تظاهرات می کنند. کیفیت آموزش کودکان نیازمند معلمینی است که خوب آموزش دیده باشند، دستمزد کافی دریافت کنند و در شرایط کاری خوبی قرار بگیرند. در این صورت آنها می توانند کارشان را در کلاس خوب انجام دهند. معلمان و نمایندگان انجمن های آنها با سازماندهی تظاهرات در مقابل مجلس و وزارت آموزش و پرورش تقاضای گشایش باب مذاکره ای عادلانه داشتند. آموزش بین الملل بشدت از خبر جلسه در تاریخ 22 اسفند ماه در مجلس استقبال کرد.

متأسفانه جلسه ای که برگزار شد نشان داد که مقامات ایرانی به گفتمان اجتماعی بی توجه اند و به حقوق اتحادیه های کارگری آنگونه که در معیارهای بین المللی کار ملحوظ شده اعتنایی نمی کنند. دستگیری صدها معلم در 23 اسفند ماه 1385 همچنین بوضوح نقض بیانیه جهانی حقوق بشر است آنگونه که در ماده 20: "هر کسی حق تجمع مسالمت آمیز و تشکیل انجمن دارد" و ماده 9: "هیچ کسی نباید در معرض بازداشت، دستگیری و یا تبعید خودسرانه قرار گیرد." مورد تاکید قرار گرفته است. آموزش بین الملل به شما آقای رئیس جمهور توصیه می کند که:

- آزادی بدون قید و شرط همه معلمان و نمایندگان آنها را که بخاطر تظاهرات دستگیر شده اند تضمین کنید،
- باب مذاکرات جدی با نمایندگان معلمان را در زمینه تقاضای طولانی مدت آنها برای بهبود دستمزدهایشان و شرایط قابل احترام کاری بگشانید،
- اطمینان بدهید که در آینده حقوق معلمان و سازمانهای کارگری برای فعالیتهایشان و در برگزاری جلسات و اعتراضات عمومی مرتبط با شرایط کار و سیاست اقتصادی اجتماعی مورد احترام قرار می گیرد.
- آموزش بین الملل از پاسخ مثبت به این خواسته ها استقبال می کند اما در عین حال به نظارت وضعیت در ایران ادامه میدهد.

با احترام: فردون لی وون دبیر کل

در روزهای اخیر اعتراضات معلمان در سراسر کشور، انعکاس شور انگیزی در داخل کشور و نیز در میان ایرانیان خارج کشور به دنبال داشته است. به گفته آقای باغانی دبیر کل کانون صنفی معلمان تهران "شاید بیش از 100 هزار نفر در سراسر کشور در این تجمع ها، در سالنهایشان، مثلا اردبیل، یزد، کرمان، اصفهان، بخصوص کرمانشاه و مشهد شرکت داشتند." در کانون این تظاهرات 100 هزار نفری، میتینگ و تظاهرات 30-20 هزار نفره معلمان در تهران در روز 17 اسفند مقابل مجلس شورای اسلامی قرار داشت که نمایندگان معلمان را که نیمه شب قبل از آن توسط ماموران رژیم دزدانه ربوده و دستگیر شده بودند به آغوش معلمان بازگردانده بود.

مطالبه اصلی معلمان در این حرکت گسترده اجرای نظام هماهنگ پرداخت هاست. معلمان که با حرکات اعتراضی قبلی لایحه مربوط به نظام هماهنگ پرداخت ها را به دولت تحویل کرده اند، با پاس کاری این لایحه میان دولت و مجلس و شورای نگهبان همچنان با دستان خالی درحالت انتظار و بلاتکلیفی رها شده اند. اما این بار معلمان با جنبش گسترده و سراسری خود در صحنه حاضر شده اند و با عزم راسخ خواهان تحویل اجرای مطالبه خود به دولت هستند. معلمان که به تجربه دریافته اند دولت همچنان با وعده و وعید، تهدید و فشار به نمایندگان آنها میخواد از اجرای خواست حق طلبانه آنان سرباز زنه. معلمان اتحاد و جنبش گسترده خود را به سلاح اصلی رزم پر شکوه خود تبدیل کرده اند. آنها نه تنها با حضور در خیابان و تجمعات مشابه، جنبش زنده و هشیار خود را پشتوانه مذاکرات با مجلس و دولت قرار داده اند بلکه هر نوع توافق نمایندگان معلمان با دولت را نیز مشروط به توافق جنبش میدانند.

بی شک دولت که در شرایط کنونی با حضور گسترده و متحد جنبش معلمان قادر به سرکوب آن نیست، تلاش میکند که با اتخاذ تاکتیک های فریبکارانه و به کار گیری توأمان زور و وعده در جنبش شکاف اندازد و آنرا وادار به عقب نشینی کند. اما بی تردید اتحاد معلمان که در میدان این رزم پر شکوه متولد شده با تغذیه از آگاهی و نیروی همبستگی معلمان رو به رشد خواهد نهاد. مهمتر از آن در شرایطی که حکومت اسلامی با اهداف شومی که در سر دارد بحران اتمی را دامن میزند و رشد فلاکت و شبخ جنگ را بر سر مردم بیش از پیش می گستراند، جنبشهای دیگر اجتماعی نیز فعالتر در صحنه ظاهر خواهند شد. در چنین شرایطی، راه پیشروی جنبش معلمان به منزله بخشی از طبقه کارگر هم آهنگی با جنبش های اجتماعی دیگر: جنبش بخش های دیگر کارگری، جنبش زنان، جنبش دانشجویی، جنبش های ملی و... است همانطور که راه تقویت این جنبش ها نیز حمایت متقابل از یکدیگر است.

سازمان ما با درود شادمانه به جنبش گسترده، سراسری و متحد معلمان، آرزومند است که این جنبش با حراست از اتحاد و همبستگی بی نظیر خود که مهمترین دستاورد و راز بقای آن است همچنان در صحنه حاضر باشد و با حمایت متقابل جنبش های اجتماعی دیگر، با هماهنگی و اتحاد همه این جنبش ها با یکدیگر، جنبش جنبش ها را حول جنبش کارگری - که جنبش معلمان بخش مهمی از آن است- بوجود آورند و راه نفی حکومت اسلامی و پیشروی به سوی خودحکومتی نیروی کار و زحمت و تحقق آزادی و برابری را هموارتر سازند.

کمیته مرکزی سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

10 مارس 2007 _ 19 اسفند 1385

پوران بازرگان ،

مبارز قدیمی راه آزادی و سوسیالیسم در گذشت !

" دیدگاه "

سه سال انتظار !

هفتصد هزار معلم

زیر خط مطلق فقر!



پوران بازرگان ، زن کمونیست، رزمنده قدیمی و ثابت قدم جنبش کارگری ، پس از 45 سال مبارزه انقلابی که 25 سال آن در تبعید سپری شد ، در شامگاه 6 مارس 2007 (16 اسفند 1385) در پاریس درگذشت.

زندگی سیاسی 45 ساله پوران بازرگان دوره های مختلفی را در بر میگیرد ، مبارزه در صفوف سازمان مجاهدین خلق ایران تا سال 1353 ، ادامه فعالیت مبارزاتی در بخش منشعب مارکسیستی این سازمان که بعدا به نام سازمان پیکار به فعالیت ادامه داد تا سال 1361 و بالاخره 25 سال مبارزه در شرایط تبعید ، یعنی در مجموع یک مبارزه طولانی در شرایط سخت و پردرد و رنج که پوران با شجاعت و با اتکا به عشق عمیق خود به رهایی کارگران و زحمتکشان آن را پیمود و کارنامه درخشانی از یک زن کمونیست و وفادار به جنبش طبقاتی کارگران و زحمتکشان از خود به جای گذاشت.

پوران آنزمان که پای در میدان مبارزه گذاشت، تعداد زنانی که در مبارزه شرکت داشتند بسی اندک بود . و او که یک زن مبارز پیشرو بود با فعال شدن جنبش برابری طلبانه زنان در این عرصه نیز حضور داشت. بنابراین اکنون که در 8 مارس، روز جهانی زن ایستاده ایم ، فقدان او باز هم دردناک تر احساس می شود.

ما درگذشت پوران بازرگان را به خانواده او و بخصوص به همسر مبارز او رفیق تراب حق شناس و به تمامی دوستداران طبقه کارگر ، به تمامی زنان مبارز و به همه مبارزان راه آزادی و سوسیالیسم تسلیت میگوییم. یادش گرامی باد!

کمیته مرکزی سازمان کارگران انقلابی ایران(راه کارگر)

17 اسفند 1385 _ 8 مارس 2007

در وزارت آموزش و پرورش ۷۰۰ هزار نفر از معلمان کشور حدود ۱۲۰ تا ۲۵۰ هزار تومان حقوق میگیرند! یعنی در خط مطلق فقر زندگی می کنند. دومین تجمع معلمان در يك ماه اخیر روز ۱۵ بهمن ماه با حضور جمعیتی بزرگ از فرهنگیان جلوی درب مجلس شورای اسلامی در محاصره نیروهای امنیتی، برگزار شد. نمایندگان تشکلهای صنفی معلمان استانهای سراسر کشور گرد هم آمدند تا به اقدام دولت در استرداد لایحه نظام هماهنگ پرداخت حقوق کارمندان اعتراض کنند. در این همایش، نمایندگان تشکلهای فرهنگیان از استانها و شهرستانهای گیلان، اصفهان، تهران، همدان، کرمانشاه، کردستان، شیراز، اردبیل، آستانه اشرفیه، پاکدشت، خمینی شهر، دزفول، خراسان و... حضور داشتند. معلمان خواستار تصویب و اجرای لایحه مدیریت خدمات کشوری، و نظام پرداخت هماهنگ حقوق هستند.

نمایندگان تشکلهای صنفی معلمان در سخنان خود که از يك بلندگوی دستی بخش میشد اعلام داشتند: "رنج جانکاه تبعیض، ذهن فرهنگیان را آشفته کرده است."

"سه سال است که با مجلسیان در تعامل هستیم. گفتند فرصت بدهید لایحه به مجلس بیاید. حالا که تصویب شده، دولت آقای احمدی نژاد گفته است که پس می گیریم. پس این وزیر در کابینه چه می کند؟" "صد نامه نوشتیم و جوابی نوشتند، این هم که جوابی ننویسند، جواب است!" "آنچه که هست باید بین مردم عادلانه تقسیم شود."

همچنین معلمان در میدان بهارستان این شعارها را سردادند:

"حجالت، خجالت، مدعی عدالت"، "مجلس به این بی غیرتی هرگز ندیده ملتی"، "می مانیم تا حق خود بگیریم"، "تعطیلی مدارس، جواب طرح مجلس"، "وزیر مترسک معزول باید گردد" و...

و سرانجام در بیانیه ۲ بندی معلمان گفته شده که "مجلس تا ۲۵ بهمن ماه فرصت خواهد داشت تا نسبت به تصویب و ابلاغ مجدد این لایحه اقدام کند در غیر این صورت اعتراض معلمان ادامه خواهد یافت... در صورت عدم تصویب این لایحه، معلمان روز ۲۰ بهمن ماه و اول



" دیدگاه "

سه سال انتظار !

هفتصد هزار معلم

زیر خط مطلق فقر !

در تجمعات معلمان برای ایجاد رعب و ترساندن معلمان را میتوان اضافه کرد. وعده و وعیدهای دولت هم مرتب تکرار میشود. از جمله گفتند هزار و یکصد میلیارد تومان بودجه به آموزش و پرورش میدهند تا حقوقهای معوقه معلمان را بپردازد و بقیه را صرف پروژه ارتقای شغلی معلمان کنند.

همایش گیلان (مرداد ۸۳)

با تعطیل شدن مدارس در پایان خرداد ماه ، مبارزات معلمان فرو نشست. یک اتفاق مهم بهنگام تعطیلات تابستانی این بود که تشکلهای صنفی فرهنگیان سراسر کشور در مردادماه در رشت اجتماع کردند و برنامه دور بعدی مبارزات معلمان را طی بیانیه ای تصویب و اعلام نمودند.

این همایش با اربعاب از طرف حکومت و دستگیری تعدادی از فعالین فرهنگیان رشت و جلوگیری از شرکت نمایندگان بعضی از شهرها مواجه شد. اخبار این تجمع سانسور شد و اجازه ندادند خبر همایش و بیانیه صادره آن در مدیا و مطبوعات منتشر گردد.

" بیانیه پایانی همایش تشکلهای فرهنگیان سراسر کشور مرداد ماه ۸۳ گیلان"

۱- تجمع معلمان در سازمانها و ادارات آموزش و پرورش در روز ۱۲ مهر مصادف با روز جهانی معلم

۲- حضور در مدارس و عدم حضور در کلاس از ۱۴ تا ۲۱ مهرماه

۳- ندادن تجمع یکشنبه ها در مقابل سازمانها و ادارات آموزش و پرورش تا توقف احضارها و آزادی همکاران دستگیر شده.

۴- ارائه کلیه خدمات و حقوق تعریف شده در قانون به فرهنگیان مانند سایر کارکنان دولت (طبق ماده ۴۱)

۵- حضور در مدارس و عدم حضور در کلاس در روزهای ۱۶ آبان و ۱۵ آذر

۶- استخدام معلمان حق التدریس

۷- توقف پخش اخبار کذب توسط صدا و سیما در مورد فرهنگیان

در خاتمه، تشکلهای صنفی آمادگی خود را جهت هر گونه مذاکره و تعامل برای حل معضلات فرهنگ و فرهنگیان در هر زمان و مکان اعلام داشته و امیدوارند که متولیان امر با دوراندیشی و حسن نظر به پیشنهاد تشکلهای نگرینس، با فرهنگیان باب دوستی بگشایند تا در سایه آن از پرداخت هر گونه هزینه مادی و معنوی غیر ضروری جلوگیری گردد.

ضمنا هیچ تشکلی به تنهایی حق لغو بیانیه را ندارد مگر با صدور بیانیه ای از سوی تشکل صنفی فرهنگیان سراسر کشور در صورت تحقق یافتن خواسته ها.

از تاریخ ۲۵ مرداد ۸۳ به مدت یک سال شهر بزد به عنوان دبیرخانه تشکلهای صنفی فرهنگیان سراسر کشور انتخاب میشود. تصمیما ت بعدی در گردهمایی بهمن ماه در مشهد مقدس گرفته خواهد شد. والسلام علیکم و رحمت الله و برکاته. (این بیانیه به امضای کانونهای صنفی معلمان تهران و حدود ۲۰ تشکل دیگر شهرهای بزرگ ایران رسید)

بنا بر تصمیمات همایش گیلان دور بعدی مبارزات معلمان در مهر ماه شروع شد.

۷مهرماه معلمان حق التدریس برای چندمین بار جلو مجلس تجمع کردند.

۱۲ مهر تجمع معلمان در شهرهای مختلف ایران (

اصفهان ، نجف آباد، خمینی شهر، همدان، کرمان ،

حیرت، کرمانشاه، گیلان غرب، مریوان، اردبیل،

بجنورد، شیراز...) به مناسبت روز جهانی معلم برگزار شد.

به دنبال این روز در بعضی از شهرها از جمله اردبیل و مریوان معلمان به مدت یک هفته در مدارس حضور یافته اما سر کلاس نرفتند.

اسفند ماه در مدارس تحصن خواهند کرد". به این ترتیب میبینیم، بار دیگر و پس از ۲ سال تلاش پراکنده و انتظار، معلمان آمده اند که بگویند رنج جانکاه فقر و گرسنگی خود و خانواده هایشان را دیگر تحمل نخواهند کرد.

آیا دور جدید مبارزات معلمان انتظار دردناک و فقر

طاقت فرسایشی را خاتمه خواهد داد؟

برای دیدن افق پیروزی معلمان بار دیگر لازم است که

تجارب تا کنونی را یاد آوری و راهکارهای آینده را

بررسی کنیم.

معلمان ، تجارب تا کنونی و راهکارهای آینده

۱- نگاهی به پشت سر

بیانیه بزد (بهمن ۸۲) و پیامهای آن بیانیه بزد مصوب ۲۸ بهمن ۸۲ نقطه عطفی در جنبش حقخواهی معلمان بود. در این بیانیه تصمیمات زیر اعلام شد:

- تجمع معلمان در روزهای ۱۲ و ۱۴ اردیبهشت ۸۲

- تحصن معلمان در روزهای ۱۶ و ۱۷ اردیبهشت

- تجمع یک روزه معلمان جلو وزارت آموزش و پرورش

- تحریم امتحانات پایان سال

تصمیم فوق نمایندگان کانونهای صنفی معلمان، با مخالفت شورای امنیت ملی مواجه شد. این شورا در بخشنامه ای هر گونه تحصن را ممنوع اعلام کرده و تهدید کرد که مجوز فعالیت تشکلهای صنفی معلمان لغو میکند.

به دنبال این تهدید، نمایندگان معلمان در ۲۸ فروردین ۸۲ بیانیه بزد را به شرح زیر تغییر و تغلیل دادند:

- تجمع معلمان بجای ۱۲ و ۱۴ به یک روز تغلیل مییابد

- بقیه خواستههای معلمان تعلیق میشود.

تعلیق برنامه نشست بزد یک عقب نشینی برای

جنبش معلمان بود و در صفوف تشکلهای صنفی معلمان باعث ایجاد تنش و تفرقه و دلسردی گردید.

همزمان وزارت آموزش و پرورش در ۳۰ فروردین اعلام کرد که طرح ارتقای شغلی را برای بخشی از معلمان

اجرا میکند. و این فقط شامل معلمان با تحصیلات کارشناسی و بالاتر میشود. همچنین حقوق معلمان

حداقل ۲۰ درصد افزایش مییابد و این هم فرهنگیان بازنیستنه را شامل نمیشود.

معلوم شد هدف وزارت آموزش و پرورش در واقع

برنامه ای برای تفرقه است. علاوه بر اینکه بعدا هم روشن شد که یک وعده تو خالی بیش نبوده است.

علیرغم تهدیدات و تدابیر و وعده و وعیدها، معلمان مجددا یک دوره دیگر مبارزات خود را شروع کردند. در

روزهای ۱۲ و ۱۴ اردیبهشت به مناسبت روز معلم یک سلسله اعتصابات گسترده در تهران، تبریز، کرمانشاه،

سندج، اصفهان، بزد، فسا، ارومیه، مریوان، بابل،

امل و... شروع شد. در این روزها معلمان در جلو ادارات آموزش و پرورش جمع شدند و مطالباتشان را پی گرفتند.

این اعتصاب با شانتاژ خاتمی و تحریک خانواده های دانش آموزان علیه معلمان مواجه شد. وزیر آموزش و

پرورش هم در آغاز و با ناپاوری گفت، معلمان فرار نیست اعتصاب کنند. رسانه ها هم علیه معلمان

دست به تبلیغ زدند. به اینها حضور لباس شخصی ها

" دیدگاه "

سه سال انتظار !

هفتصد هزار معلم

زیر خط مطلق فقر !

تجمع معلمان کردستان در شهر سنندج روز ۱۲ اردیبهشت ۸۲ معلمان شهر سنندج و نمایندگان از دیگر شهرهای کردستان در جلو سازمان آموزش و پرورش استان تجمع کردند و پلاکادهایی با این مضامین در دست داشتند.

- فرهنگی اتحاد اتحاد
- ما خواهان رفع تبعیض کامل در آموزش و پرورش هستیم
- ما همبستگی خود را با فرهنگیان تمام کشور اعلام

میکنیم

- ما خواهان بسط آزادی بیان و عقلانیت در آموزش و پرورش هستیم
- ما اعتراض خود را تا تحقق کامل اهدافمان ادامه خواهیم داد

در آخر تجمع قطعنامه پایانی خوانده شد.

- ۱- ما معلمان در استان کردستان همبستگی فاطع خود را با دیگر معلمان ایران اعلام میداریم
- ۲- ما خواهان رفع هر گونه تبعیض هستیم و هر معلم محق است از یک نوع زندگی مرفه و متناسب با شأن خود برخوردار شود.
- ۳- با هر گونه طرحی که سبب از هم گسیختگی اتحاد فرهنگیان شود مخالفت میکنیم.
- ۴- طرح ارتقا شغلی در نوع خود طرحی ناقص بوده چرا که این طرح متضمن رفاه برای همکاران شاغل و بازنشسته نیست طرحی موقت و سالانه علاوه بر ایجاد فاصله میان همکاران در شرایطی اینچنین نمیتواند تمامی همکاران را در برابر تورم سرسام آور حمایت کند.
- ۵- قلم معلم تنها تریبون رسمی و سراسری فرهنگیان مدت زیادی است که توقیف است ما خواهان رفع توقیف از نشریه خود هستیم.
- ۶- ما همچنان خواستار نظام هماهنگ پرداخت هستیم.
- ۷- ما خواستار لغو برده داری مدرن در آموزش و پرورش بعبارت دیگر رسیدگی سریع به وضعیت همکاران حق التدریس و پاره وقت از نظر استخدام بوده و هستیم.
- ۸- همکاران بازنشسته که تمامی توان خود را جهت اعتلا آموزش و فرهنگ بکار بسته اند باید مورد حمایت و پشتیبانی دولت قرار گیرند.
- ۹- ما خواهان بهبود شرایط تدریس، تغییر محتوای کتب درسی و به روز کردن سیستم آموزش هستیم.
- ۱۰- امنیت شغلی از اولی ترین و اساسی ترین حقوق انسانی است. تمام پرسنل باید از این حق برخوردار شوند.
- ۱۱- ما خواهان ارائه گزارش عملکرد از سوی تعاونی های مسکن و مصرف هستیم.
- ۱۲- وزارت آموزش و پرورش موظف است مطالبات معوقه همکاران اعم از یارانه مسکن را پرداخت نماید.
- ۱۳- بسیاری از همکاران مدتهاست تعهد خود را با آموزش و پرورش به پایان رسانده اند ولی هنوز به آنها کارت معافیت و پایان خدمت داده نشده است. ما خواهان بررسی هر چه سریعتر وضعیت نظام وظیفه همکاران هستیم
- ۱۴- انجمن صنفی، معلمان استان کردستان و تمامی

همکاران آموزش و پرورش خود را موظف میداند از همکاری که مورد تهدید یا پرونده سازی قرار میگیرند دفاع و پشتیبانی نماید.

۲- تجارب گذشته و محدودیتهای آن

مبارزات معلمان در ۲ سال اخیر به صورت مقطعی و پراکنده تا کنون ادامه داشته است. اکنون بار دیگر در سال ۸۵ و ۵ ماه از سال تحصیلی گذشته، مجدداً معلمان به میدان میآیند. کانونهای صنفی معلمان روزهای آتی را برای تجمع و تحصن به دولت و وزیر آموزش و پرورش هشدار میدهند.

معلمان و کانونهای صنفی شان برای هر گونه پیشرفت در فعالیت و مبارزه شان، نیازمند بررسی تجارب مثبت و منفی مبارزه شان حد اقل در ۳ سال گذشته اند. این تجارب جلو چشمان ما است و سوالات متعددی که جواب میخواهند:

دلیل ناکارآمدی مبارزات تا کنونی معلمان چیست؟ آیا معلمان و بخصوص تشکلهای صنفی شان به موقعیت اجتماعی و ظرفیت مبارزاتییشان آگاهند؟ موثرترین روشها و تاکتیکهای مبارزاتی کدامند؟ و ...

ناکارآمدی تشکل سراسری و صنفی معلمان ناکارآمدی، عدم تمرکز و هماهنگی تشکلهای صنفی و سراسری یکی از موانعی است که مبارزات معلمان با آن روبرو است. مدت طولانی است که تشکلهای صنفی در هر شهر خود به ابتکار خود و در حد ظرفیت و آمادگی اعضا یا معلمان و فرهنگیان آن شهرها گذر کرده اند. اکثر کانونهای صنفی محلی تعطیل شده و بخشی از فعالین حقوق معلمان تحت تعقیب و آزار قرار گرفته و یا به تبعید تهدید و بخشا محکوم شده اند. آقای پیمان نودینیان دبیر کانون صنفی معلمان سنندج جزو این تبعید شدگان است. به این ترتیب میبینیم که ظرفیت و توانائی و نیروی معلمان هنوز یک کاسه نشده است.

رهبری سراسری تشکلهای معلمان در این رابطه نقش تعیین کننده داشته است. زمانی آقای محمود بهشتی دبیرکل سابق کانون صنفی معلمان اظهار میکرد که "در صورتی که راهی برای ادامه فعالیت کانون در چارچوب قانون و مقررات وجود نداشته باشد، این نهاد منحل خواهد شد!" و اکنون آقای اکبر باغانی دبیر کانون و هاشمی دبیر کل سازمان معلمان میگویند، "آمده ایم تا وفای به عهد و پیمان را به نمایندگان یادآوری نماییم." این در حالی است که علیرغم ۲ سال انتظار، در تجمع قبلی (سوم بهمن امسال) نمایندگان مجلس به فرهنگیان وعده دادند که هیات ۷ نفره ای برای بررسی و ارزیابی لایحه تشکیل می دهند. و حال امروز (تجمع ۱۵ بهمن ۸۵) همین نمایندگان آمده اند و میگویند از چنین هیاتی خبری نیست!

این آقایان و همه معلمان میدانند که همین قانون و مقررات است که فرهنگیان را به این حال و روز انداخته است. پس هر گامی برداشته شود برای تغییر این قانون و مقررات است. این چه قانونی است که حتی جمع شدن جلو مجلس و تضرع خواهی هم در آن حرم است. راه مبارزه با این اختناق، نه تعلیق برنامه و خواستههای بیانه یزد بود و نه انحلال تشکل، آنطور که بهشتی میگوید. باید جلو رفت و سد اختناق را شکست!

تاکتیک و روشهای مبارزاتی

راه و روشهای مبارزاتی تا کنونی کمتر کارساز بوده اند. یکی از این شگردها جمع شدن جلو مجلس است. هر بار تعدادی از فرهنگیان حق التدریس یا نمایندگان تشکلهای صنفی معلمان و یا بازنشستگان جلو مجلس جمع شده و به وعده های توخالی نمایندگان مجلس

"دیدگاه"

سه سال انتظار!

هفتصد هزار معلم

زیر خط مطلق فقر!

مبارزاتی و کارساز است. تحصن ها و اعتصابات پراکنده و جدا از هم در هر محل برای خود چندان کارساز نیست. یک اعتصاب عمومی و سراسری معلمان و فرهنگیان، جامعه را تکان میدهد و گوش مسوولین دولتی را برای شنیدن حرف نمایندگان معلمان باز و آنها را به تجدید نظر در برخوردشان به خواستههای معلمان وامیدارد.

مذاکره نیز یک تاکتیک و شیوه مبارزه برای طرفین دعوا است. از این شیوه هم باید به درستی استفاده کرد و تسلیم وعده و وعیدهای طرف مقابل نشد. تا زمانی که آموزش و پرورش و دولت، نمایندگان منتخب معلمان یا تشکلهایشان را برای مذاکره به رسمیت نشناسند، هیچگونه مذاکره خارج از این چارچوب و یا هر گونه تصمیم یک جانبه قابل قبول نیست.

۳- مجامع عمومی معلمان در سطح مناطق شهری، گردهماییهای مشترک معلمان و دانش آموزان، دعوت از والدین دانش آموزان به گردهمایی در مدارس و آگاه گردنشان به شرایط کار و زندگی معلمان و جلب حمایتشان... معلمان را از پشتوانه عظیم اتحاد درونی و حمایت اجتماعی مردم برخوردار میکند.

۴- انتشار نشریه معلمان، پخش اطلاعیه های روشنگرانه خطاب به جامعه و مردم و بویژه خانواده دانش آموزان و خود دانش آموزان در مبارزه معلمان حیاتی است. اگر مدیا پخش اخبار و مبارزات و خواستههای معلمان و شرایط فلاکتبار زندگیشان را سانسور میکند باید این سد سانسور را با چاپ نشریه، برگزاری سمینارها و پخش بیانیه و اطلاعیه های خبری و روشنگرانه شکست.

۵- خواستههای روشن و زمانبندی شده. خواستههای معلمان در قطعنامه تشکلهای صنفی هر شهر و محل به صورتهای مختلف منعکس است. برای نمونه در نشست گیلان یا قطعنامه معلمان کردستان در سنج...

اما همواره جای طرح یک مطالبه سراسری که مهمترین خواستههای صنفی و سیاسی معلمان را در بر گرفته باشد و همه تشکلهای محلی به آن استناد کنند و یک مبارزه سراسری حول آن راه بیفتد، خالی بوده است.

دوستان!

محکوم کردن میلیونی معلمان و خانواده هایشان به یک زندگی فلاکتبار و زیر خط فقر جرم است. عاملین آن باید به جامعه معلمان، دانش آموزان و خانواده هایشان جوابگو باشند. این کمترین توقع و فوری ترین خواست شما معلمان است. هم اکنون سرنوشت حقوق معلمان با دستمزد کارگران، حقوق پرستاران و دیگر حقوق بگیران جزء جامعه گره خورده است.

اجتماع در جلو مجلس به خودی خود ایرادی ندارد اما تاجرب تا کنونی مبارزات خود شما نشان داده است که نمایندگان مجلس ناجی معلمان نیستند. اینها حافظان قوانین تبعیض آمیز و نابرابرند. پشتگرمی شما و ضامن موفقیتان توده عظیم و یک میلیونی معلمان و اعتصابات سراسریشان است. دستهای گچی شما دل دولتمردان را به رحم نمی آورد، همچنانکه فقر و گرسنگی فرزندان و وجدان کرم خورده این شکم سیران را بیدار نمیکند. به جای نشان دادن دستهای گچی، مشتهای گره کرده تان را به این غاصبان نان سفره کارگر و معلم و پرستار نشان دهید! ۱۵ میلیون دانش آموز تحت فشار فقر و خواهان رهایی فرهنگی و اخلاقی حامیان شما معلمان هستند. قدرت خود را دریابید و سازمان دهید و به میدان بیاورید.

جز با نشان دادن قدرت اجتماعی و عزم و اراده استوار، غاصبان حقوق و داراییهای مردم و جامعه، تسلیم نمیشوند.

مظفر محمدی- ۷ بهمن ۸۵

گوش داده و به سر کار با خانه برمیگردند. سوال این است که از نماینده مجلسی که خود در انداختن معلمان به این روز سهیم است، چه توقع و انتظاری میتوان داشت؟

حداکثر وظیفه و ماموریت اینها ساکت کردن معلمان و فرستادنشان به خانه است. اینها آدمهای آلت دست و بی اختیاری هستند که نباید ذره ای به آنها متوهم بود و یا فکر کرد که کاری از دستشان ساخته است. با نشان دادن یک موقعیت مطلوبانه و انتظار ترجم از کسانی که معلمان را به این روز انداخته اند هیچ حقی به دست نیاید!

حضور در مدارس و نرفتن سر کلاس و به اصطلاح تحصن هم شیوه ای است که حدی دارد و دو سه روز بعد خود معلمان و دانش آموزان را هم خسته میکند. آنهم در شرایطی که در مدت تحصن هیچگونه فعالیت ورزشی، هنری و فرهنگی و تفریحی و یا سمینار و سخنرانی و غیره در کار نیست که جای درس و کلاس را پر کند.

معلمان از موقعیت اجتماعی و ظرفیت مبارزاتییشان تا کنون استفاده نکرده اند

معلمان از موقعیت اجتماعی و شخصیتی بسیار خوبی در جامعه برخوردارند. این قشر محبوب به هیچ کس بدهکاری ندارند و صمیمانه و دلسوزانه نسلها را آموزش و پرورش میدهند. میلیونها دانش آموز از متحدین معلمانند. معلمان میلیونها انسان سمیات، دوست و متحد خود در میان خانواده دانش آموزان را دارند. معلمان سمیاتی و دوستی وسیع اجتماعی را پشت سر خود دارند...

متأسفانه تا کنون نه نیروی خود معلمان به تمامی به میدان آمده و نه سمیاتی وسیع اجتماعی پشت خواستههای عادلانه و انسانی معلمان بسیج شده است. نیروی آکتیو در مبارزات کنونی یکهزارم کل نیروی اجتماعی معلمان نیست. راه هرگونه پیشرفت در پشت سر گذاشتن این موانع و انتخاب و اتخاذ شیوه و راههای مونر و رادیکال مبارزه و استفاده از همه نیروی معلمان و ظرفیتهای اجتماعی او است.

۳- راهکارهای آینده

پیشروی معلمان در گرو فاکتورهای زیر است:
۱- وجود یک رهبری سراسری روشن و مصمم و جدی و رادیکال. تنها چنین رهبری سراسری ای میتواند صفوف معلمان، تشکلهای و نمایندگانشان را منسجم و یکپارچه و هماهنگ کند. اگر معیار اظهار نظرهای تا کنونی و شیوه های مبارزه باشد، باید متأسفانه گفت که رهبری کنونی به شدت متوهم، ناکارآمد و ناتوان در بکار گیری کل نیروی اجتماعی معلمان برای تحقق خواستههایشان است. این رهبری به نیروی واقعی معلمان باور ندارد.

۲- انتخاب موثرترین تاکتیک و شیوه مبارزه. اعتصاب سراسری و همزمان و هماهنگ موثرترین روش

شنبه 17 مارس 2007

در چهارمین سال تهاجم آمریکا و متحدانش به عراق

در تظاهرات های ضد جنگ، فعالانه شرکت کنیم!

اکنون ناوگان های مرگ در جنوب ایران و درمیان آب های خلیج فارس جولان می دهند و منتظر فرمان پیشروی بسوی جنگند. درایران نیز مرگ آفرینان چهل و تبااهی کشورهم به نشانه حفظ "عمود خیمه نظام" همچنان بر طبل بارآوری انرژی اتمی می کوبند و بی هیچ توجهی به بحران آفرینی های شتابزده دامن می زنند. رهبران مرگ اندیش نظام، درآستانه نوزوی دیگر، همچنان برسیاست های خائمان برانداز خویش پای می ساینند دراین میان، شورای امنیت سازمان ملل متحد، با سماجت بی وقفه نئوکان های آمریکا و متحدان جنگ طلب اش در تدارک قطعنامه دوم در جهت تشدید تحریم های اقتصادی علیه کشورایران است. تجارب تاکنونی به ما نشان داده است که این تحریم ها تاثیر چندانی بر حکومتها نداشته، بلکه اساسا کودکان، زنان، بی چیزان و تهیدستان، کارگران و مردم محروم را به خاک سیاه می نشانند. ازاین رو لازم می نماید چون همیشه با تحریم اقتصادی ایران مخالفت نماییم. این در حالی است که گرانی و تورم در ایران سرسام آور است و شورایعالی کار، در همین اسفند ماه، حداقل دستمزد کارگران را برای سال 86، ماهها نه 183 هزار تومان تعیین کرد. این نوع سیاستگزاری ها، فشار زندگی طاقت فرسایی را بر کرده زحمتکشان سنگین وارد می آورد.

رژیم اسلامی ایران، 28 سال است در سراسر کشور جنایت می کند. اکنون جنبش های اجتماعی زنان، جوانان، دانشجویان، کارگران و اقلیت های ملی تحت ستم ایران، بویژه طی این سالها گامهای اساسی در مخالفت با کلیت نظام برداشته اند و خود را برای رویارویی همه جانبه جمهوری اسلامی آماده می کنند. در چنین شرایطی، هرگونه حمله نظامی امپریالیستی به ایران، به ضرر این جنبش ها خواهد بود، بنابراین باید همه طرفین این جنگ را محکوم کرد و بر سرنگونی جمهوری اسلامی، پافشاری نمود. آشکار است در چنین شرایطی در غلطیدن به ناسیونالیسم ایرانی، طرفین این کشمکش و جدال را هارتر خواهد کرد. جنبش های اجتماعی ایران امروز باید صفوف مستقل طبقاتی خود را علیه مداخلات امپریالیستی در ایران و علیه جمهوری اسلامی متحد و مستحکم سازند و درخارج ازمرزها نیز نیروهای سیاسی چپ و آزادیخواه، برای برابری طلب و ضدجنگ، چابداران صدای سوم باید با هدف جلب حمایت و پشتیبانی از جنبش های برابری طلبانه و آزادیخواهانه مردم ایران و همسویی با پشتیبانان جهانی خود با شعار: نه به جنگ، نه به جمهوری اسلامی ایران، نه به مداخلات امپریالیستی، زنده باد جنبش های مستقل اجتماعی و مطالباتی سراسر ایران، در جنبش ضد جنگ جهانی نقش فعال خود را بنمایش بگذارند.

روز شنبه 17 مارس 2007، چهارمین سال اعتراض علیه تجاوز امپریالیستی آمریکا و متحدانش به افغانستان، عراق و همچنین لبنان، فلسطین و... است. در این روز از سوی شبکه ضدجنگ درجای جای جهان فراخوان داده شده است. ما از همه انسان های تحول طلب و ضد جنگ دعوت می کنیم که در سلسله تظاهرات های ضد جنگ شنبه 17 مارس 2007 در هر کجای جهان که شکل می گیرد، فعالانه شرکت نمایند.

سرنگون باد جمهوری اسلامی ایران!
گسترده تر باد همبستگی جهانی با جنبش های اجتماعی مردم ایران

کمیته مرکزی سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)
15 مارس 2007

نشریه کریتیک مارس ۲۰۰۷

تنوری های امپریالیسم:

پرفسور تیکتین؛ پرفسور میک کک؛ پرفسور ماخوور
محمد رضا شالگونی؛ مایک مکنر

Critique Conference 2007
Theories of Imperialism

کنفرانس سالانه نشریه کریتیک
مارس ۲۰۰۷

«تئوریهای امپریالیسم»

شنبه ۱۷ مارس مدرسه اقتصاد
دانشگاه لندن

۱۰ صبح تا ۵ بعد از ظهر

پرفسور تیکتین (دانشگاه گلاسکو) و
پرفسور میک ککس (دانشگاه لندن)

بازگشت به بحث امپراطوری آمریکا -
ویژگیهای امپریالیسم آمریکا در عهد ما

ساعت ۱۲ تا ساعت ۱۵

پرفسور ماخوور (دانشگاه لندن)
اسرائیلیها و

فلسطینها - درگیری و راه حل

ساعت 3 تا ۵ بعد از ظهر

امپریالیسم لیبرال و ضد امپریالیسم و
ضد امپریالیسم تاریک اندیش

محمد رضا شالگونی

مایک مکنر (دانشگاه آکسفورد)

بدون شرح

خبرگزاری دولتی کارایران - ایلنا در تاریخ 26 اسفند 1386 برابر 17 مارس 2007 گزارش می دهد :

نماینده کارگران محور آبادان 1300 کارگر شهرداری آبادان 2 ماه حقوق و عیدی شان را نگرفته اند

تهران- خبرگزاری کار ایران

نماینده کارگران محور آبادان گفت: يك هزار و 300 کارگر شهرداری آبادان، حقوق بهمن، اسفند به علاوه عیدی خودشان را دریافت نکرده اند و با نزدیک شدن به ایام نوروز، نیاز شدیدی به نقدینگی دارند.

"مصطفی نظری"، در گفت و گو با خبرنگار گروه کارگری ایلنا افزود: شهرداری آبادان مطالبات سال 84 و 85 و نیز حق مسکن، عائلهمندی، بن و لباس کار کارگران را هم به آنان نداده و کارگران را به شدت با مشکل مواجه کرده است.

وي گفت: از مسوولين شهرداری آبادان می‌خواهیم با توجه به مشکلات شدید مالی کارگران، حق و حقوق قانونی آنان را پرداخت کند تا این عزیزان شب عید را نزد خانواده‌هایشان شرمند نباشند.

پایان پیام

کارگران نساجی خامنه ده ماه است حقوق نگرفته اند
مسوولان در اتا‌ف‌های راحت نشسته و عده تو خالی می دهند

تبریز- خبرگزاری کار ایران

دبیر اجرایی خانه کارگر استان آذربایجان شرقی گفت:

حدود 170 کارگر کارخانه نساجی خامنه که 10 ماه است

حقوق نگرفته اند، برای احقاق حقوق خود ماه‌هاست در

ادارات و نهادها سرگردان و آواره هستند.

به گزارش ایلنا، "کریم صادقی‌زاده" گفت: کارخانه نساجی خامنه یکی از کارخانجات نساجی فعال با دستگاه‌های مدرن و پیشرفته در این استان بود که در اثر بی‌تدبیری مسوولان، وضعیت عادی این کارخانه از بین رفته و در حالت بحران به سر می‌برد.

وي با اشاره به اینکه بارها متذکر شده‌ایم صنعت استان نیاز به حمایت جدی دارد، ولی گوش شنوایی جهت حل بحران کارگری، صنعت و تولید وجود ندارد، گفت: اگر به موقع به مشکلات کارگران رسیدگی می‌کردند، به این مرحله بحرانی نمی‌رسید که کارفرما توان پرداخت حقوق 12 ماه کارگران را نداشته باشد.

وي خواستار روشن شدن وضعیت کارگران این شرکت شد تا از هر گونه پیشامد ناگوار و تنش جلوگیری شود. رییس شوراي اسلامي کار شرکت نساجی خامنه گفت:

کارگران این واحد دارای همسر و فرزند هستند که

دریافت نکردن حقوق، خانواده‌های آنان را برای تامین نیازهای اولیه زندگی با مشکل مواجه کرده است.

علیشاهی گفت: بارها به استانداری، اداره کار، فرمانداری و نمایندگان مجلس مراجعه کرده و مشکلات خود را در میان گذاشتیم، اما هیچ جواب مناسبی که درد و معضل ما را حل کند، نشنیده‌ایم.

وي گفت: صندوق مهر امام رضا نیز به علت مشکلات افتتاح حساب برای هیات مدیره شرکت، وام تخصیصی را پرداخت نمی‌کند، بدان جهت در این شب عیدی کارگران و خانواده‌هایشان دچار مشکلات عدیده شده و سرگردان، ناراحت و ناراضی هستند.

يکي از کارگران نیز گفت: آقایان اگر خودشان توان دریافت نکردن يك ماه حقوق را داشته باشند، ما هم دو ماه صبر می‌کنیم، ولی امروزه آقایان مسوول در اتا‌ف‌های بزرگ و راحت نشسته و خودروهای مناسب سوار می‌شوند و تنها و عده تو خالی می‌دهند.

وي افزود: آقایان در فکر این نیستند که زندگی برخی از کارگران به علت فقر و نداری و وعده‌های تو خالی در آستانه فروپاشی است.

جمعی از کارگران نیز پرداخت نشدن حقوق، مزایای عیدی و پاداش و حق بیمه تامین اجتماعی را از مشکلات اساسی خود بر شمرده و گفتند: در صورت عدم رسیدگی فوری به مشکلات و خواسته‌های قانونی و برحقمان، برای احقاق حقوق خود به تهران جلوی دفتر وزیر کار، نماینده مجلس شورای اسلامی و دفتر ریاست جمهوری اسلامی خواهیم رفت تا صدای حق طلبانه خود را به گوش مسوولین کشور برسانیم.

پایان پیام

عضو شوراي اسلامي کار این شرکت

خریدار سابق "صنایع پوشش رشت" در حال خارج

کردن ماشین آلات است

تهران- خبرگزاری کار ایران

عضو شوراي اسلامي کار کارخانه صنایع پوشش رشت گفت: خریدار سابق کارخانه صنایع پوشش به دلیل طلبکار بودن در حال خارج کردن ماشین‌آلات دوزندگی، دستگاه ژنراتور برق و آهن آلات از واحد می‌باشد.

وي که خواست نامش برده نشود، در گفت و گو با خبرنگار گروه کارگری ایلنا افزود: کارخانه صنایع پوشش که چند سال پیش به بخش خصوصی واگذار شد و عدم مدیریت صحیح آن موجب بازپس‌گیری این واحد توسط دولت شد، خریدار قبلی با مراجعه به کارخانه از مدیر عامل باقیمانده طلب خود را درخواست کرد، که وي حاضر شد مبلغ 173 میلیون تومان پرداخت کند، اما خریدار سابق واحد قبول نکرد.

عضو شوراي اسلامي کار صنایع پوشش تاکید کرد: خریدار سابق کارخانه حدود 500 میلیون تومان از واحد طلبکار است و بردن اجناس کارخانه به نفع وي خواهد بود.

وي افزود: شوراي اسلامي کار پوشش رشت با نوشتن و ارسال نامه به استاندار گیلان و مسوولین مربوطه، خواستار توقف خروج ماشین‌آلات و اجناس کارخانه صنایع پوشش شده که متأسفانه هیچگونه ترتیب اثری به

این درخواست نمایندگان کارگري داده نشده است. عضو شوراي اسلامي کار شرکت، در مورد وضعیت حقوق کارگران، گفت: خوشبختانه مدير عامل این واحد، حقوق بهمین و عیدي کارگران را چند روز قبل به طور کامل پرداخت کرده و در مورد حقوق اسفند ماه قول داده است که در تاریخ 15 فروردین 86 پرداخت خواهد شد. وي افزود: از شرکت آتیه دماوند مي خواهيم هر چه سریعتر خطوط تولید واحد را بازسازي کند، تا کارگران مشغول کار شوند و کارخانه نیز به فعالیت و تولید ادامه دهد.

پایان پیام

شرکت واحد در مورد کارگران تعلیقي تصمیم مي گيرد

تهران- خبرگزاری کار ایران
يکي از کارگران تعلیقي شرکت واحد گفت: مدیریت این شرکت تا قبل از ظهر امروز در مورد اجرای دستور دادگستري تهران و پرداخت مطالبات قانوني کارگران تعلیقي این شرکت تصمیم گيري مي کند. به گزارش خبرنگار گروه کارگري ایلنا، "سعید ترابیان" افزود: روز گذشته نمایندگان کارگران تعلیقي شرکت واحد با مدير عامل این شرکت دیدار نکردند، اما پس از مذاکره با معاون مالي، رییس حراست و مسوول اجراییات شرکت واحد، دفتر مدير عامل را ترک کردند. وي که روز گذشته همراه با گروهی از کارگران تعلیقي براي دریافت مطالبات ایام تعلیق به دفتر مدير عامل شرکت واحد مراجعه کرده بود، افزود: طبق مذاکره و توافق روز گذشته، کارگران تعلیقي پیش از ظهر امروز براي دریافت مطالبات خود به شرکت واحد مراجعه مي کنند.

وي با بیان اینکه گوش کارگران تعلیقي شرکت واحد از وعده هاي سرخرمن پر است، یادآور شد: بیش از يك سال گرسنگي و بي پولی 54 کارگر تعلیقي شرکت واحد، باعث مراجعه روز گذشته این کارگران به دفتر مدير عامل شرکت واحد شده است.

ترابیان افزود: کارگران عادي حداقل يك حقوق بخور و نمیر دریافت مي کنند، اما گروه 54 نفری کارگران تعلیقي شرکت واحد از يك سال پیش تا کنون حتی يك ريال در آمد نداشته اند.

پایان پیام

کارگران شرکت نفت گچساران:

به زودي مقابل فرمانداری تجمع مي کنیم

یاسوج- خبرگزاری کار ایران
کارگران شرکت نفت گچساران اعلام کردند: به زودي جلوي فرمانداری این شهرستان تجمع مي کنیم. به گزارش خبرنگار گروه کارگري ایلنا، این کارگران گفتند: براي دریافت مطالبات خود بارها به مسوولان شرکت نفت مراجعه کرده ایم ولي هیچ کسي پاسخ نمی دهد.

این کارگران از بیان نام خویش خوداری کرده و افزودند: اگر نام ما را بنویسید که اخراج مي شویم زیرا مسوولان شرکت نفت نه حرف هاي سازنده کارگران را مي شنوند

و نه اهميتي براي نقدهاي ما قائل هستند. بگفته این کارگران وضعیت معیشتي برخی از کارگران شرکت نفت گچساران بحراني است که فرارسیدن شب سال نو این وضعیت بحراني تر مي شود. این افراد مي گویند: مسوولان شرکت نفت گچساران با اطلاع از مشکلات کارگران، فقط وعده پرداخت مطالبات را مي دهند درحالی که از دو ماه قبل حقوق و مزایاي نقدي کارگران پرداخت نشده است.

در همین رابطه، يك منبع آگاه در شرکت نفت گچساران، گفت: حدود 300 کارگر این شرکت بابت 2 ماه حقوق و مزایاي قانوني خود از کارفرماي خود طلبکار هستند. وي افزود: در حال حاضر پیمانکار قبلي این کارگران بدلیل نداشتن ضمانت نامه خلع ید شده است. این مقام آگاه بایان اینکه باید پس از خلع ید پیمانکار با کارگران تسویه حساب مي شد، افزود: به دلایلي که نمی توانم آن را بیان کنم تاکنون با این کارگران تسویه حساب نشده است.

این منبع مطلع یادآور شد: شرکت نفت نمی بایست تا زمان پرداخت تمامی مطالبات کارگران با پیمانکار خلع شده تسویه حساب مي کرد.

وي با نادرست خواندن عملکرد مدیریت شرکت نفت گچساران در مورد تسویه حساب با پیمانکار این کارگران، اضافه کرد: در زمان خلع ید شدن پیمانکار مذکور، کارگران از مسوولان شرکت نفت خواستار مسدود کردن حساب وي شدند اما شرکت نفت این کار را انجام نداد. این منبع آگاه، میزان حساب پیمانکار سابق در زمان خلع یدی را يك میلیارد و 200 میلیون ريال دانست و اظهار داشت: در صورتی که شرکت نفت حساب پیمانکار را توقیف کرده بودند، بسیاری از کارگران حق و حقوق خود را دریافت مي کردند.

وي با اظهار تاسف از پاسخگو نبودن مسوولان شرکت نفت گچساران به معضلات کارگري این شرکت، افزود: وضعیت کنونی کارگران شرکت نفت گچساران واقعا نگران کننده است.

در پی تماس هاي مکرر خبرنگار خبرگزاری کار ایران (ایلنا) در شهرستان گچساران و شهر یاسوج، متاسفانه تلفن هاي همراه مسوولان شرکت نفت گچساران مدت هاي طولاني خاموش بود.

پیش از این ایلنای کهگیلویه و بویراحمد گزارش داد که دو هزار و 200 کارگر حراست شرکت نفت گچساران از چگونگی دریافت مطالبات خود نگرانند.

نامه کانون انجمنهای کارگران خباز به رییس جمهور
کارگران نانوا هنوز حقوق سال 83 را مي گیرند
صنعتي کردن نان، تیشه به ریشه صدها هزار خباز ایران است

تهران- خبرگزاری کار ایران
رییس کانون انجمنهای صنفی کارگران خباز کشور، با ارسال نامه‌ای به دکتر احمدی نژاد رییس جمهور، خواستار حل مشکلات کارگران این صنف شد. به گزارش خبرنگار گروه کارگري ایلنا، متن کامل این نامه به شرح ذیل است:



کارگران خبازیهایی ایران، یکی از اقشار زحمتکش جامعه هستند که قبل از طلوع آفتاب تا بعد از غروب، پای کوره‌های آتش با کاری طاقت فرسا مشغول خدمت به فرد مردم عزیز می‌باشند، اما خودشان از خدمت محرومند که این نهایت بی‌مهری به این قشر آسیب‌پذیر است.

در ادامه آمده است: کارگران نانوا از حداقل حقوق قانونی خود بی‌بهره‌اند و با توجه به اینکه در پایان سال 85 هستیم، هنوز حقوق سال 83 به آنها پرداخت می‌شود. در ادامه خطاب به رییس جمهور آمده است: جناب عالی در یکی از بیانات خود فرموده‌اید که هر کس در هر جای کشور به آن ظلم می‌شود، آنچنان فریاد بزند تا به گوش من برسد، این ندای مظلومیت از طریق رسانه‌ها به اطلاع شما رسید و حضرت عالی در سیما موضوع را تایید نموده‌اید که راه چاره آن را صنعتی کردن نان کشور دانسته‌اید، آیا صنعتی کردن نان، تیشه به ریشه صدها هزار جامعه خباز ایران نیست.

در ادامه آمده است: جناب آقای رییس جمهور، دولت‌های قبل از انقلاب و بعد از انقلاب اقدام به واردات ماشین‌های صنعتی نموده‌اند، ولی به دلیل مغایر بودن تولید آن با ذائقه ایرانی، به بن بست رسیده که در این خصوص لازم است بیوگرافی نان کشور مورد مطالعه قرار گیرد و آنچه خواست مردم و دولت است به دست اهل فن سپرده شود. در پایان آمده است: از حضرت عالی تقاضا می‌کنیم به مسوولین مربوطه و استانداران استانها دستور فرمایید برای رفع فقر فاحش و تبعیض محرز که هر گونه افزایش برای همه آحاد جامعه در نظر گرفته می‌شود، برای این قشر گمنام و دلسوخته نیز منظور گردد، تا جامعه خبازان از نظر حداقل معیشت در مضیقه نباشد که این عمل باعث رضای خداوند متعال است.

پا 200 کارگر شرکت "نوش" مازندران حقوق کامل نمی‌گیرند

تهران- خبرگزاری کار ایران

کارگران شرکت "نوش مازندران" گفتند: 200 کارگر این شرکت مدتی است که حق و حقوقشان را به طور کامل دریافت نمی‌کنند. این کارگران در گفت و گو با خبرنگار گروه کارگری ایلنا افزودند: کارفرمای شرکت نوش که محصول تولیدی آن آب میوه است، ادعا دارد که با کمبود نقدینگی مواجه است.

وی گفت: کارگران این واحد با حداقل حقوقی که از کارفرما می‌گیرند، در حل مشکلات زندگی خود ناتوان هستند.

دبیر انجمن کارگران میادین میوه و تره بار تهران کارگران همچنان منتظر اجرای قانون هستند

تهران- خبرگزاری کار ایران
یک مقام کارگری با انتقاد از بی‌توجهی‌های وزارت کار و سازمان تامین اجتماعی به کارگران گفت: در حالی سال 85 را پشت سر می‌گذاریم که در سایه بی‌توجهی‌های

مسوولان، بسیاری از قوانین کار و تامین اجتماعی هرگز اجرا نشده و کارگران با وجود قوانین جاری کشور، همچنان مورد ظلم و ستم قرار گرفته‌اند. به گزارش خبرنگار گروه کارگری ایلنا، "غلامرضا توکلی" گفت: در سال 85 نیز همچون سالهای گذشته کارگران کارگاههای کوچک بیش از 12 ساعت کار کردند، شب کاری داشتند، بیمه هایشان به موقع و کامل پرداخت نشد، تشکل قانونی خود را نداشتند و از حضور در مراجع تصمیم‌گیری محروم ماندند و صدها مورد دیگر که هر کدام جای بحث دارد.

وی افزود: با کمال تأسف بخش‌های گسترده‌ای از کارگران از حق نمایندگی در مراجع قانونی و دخالت در امور زیر مجموعه هایشان محروم ماندند. وی با تأکید بر اینکه مشکلات کارگران نیازمند چاره‌اندیشی جدی مسوولان است، گفت: باید زمینه لازم برای ایجاد شرایط بهبود وضعیت کارگران ایجاد و اندیشیده شود و از آنجا که تا کنون هیچ مسوولی خود را مکلف به پاسخگویی ندانسته و نمی‌داند، خواسته‌های خود را به صورت رسمی و از طریق رسانه‌ها اعلام کرده و منتظر پاسخگویی می‌مانیم.

توکلی مشکلات کارگران صنوف را در 6 بند و به شرح زیر تشریح کرد.

- 1- ایجاد زمینه‌ها و اتخاذ تدابیری که ساعت کار روزانه و تعطیلی‌های هفتگی کارگران شاغل در کارگاههای کوچک و واحدهای صنفی طبق قانون کار رعایت و اجرا شود.
- 2- ایجاد زمینه و اتخاذ تدابیری که کارگران شاغل در کارگاههای کوچک و واحدهای صنفی در بیمه شدن و بیمه‌های ماندن و لحاظ شدن سابقه دوران کارکردشان در پرونده بیمه‌های خود با مشکل و مانع روبه‌رو نشوند.
- 3- ایجاد زمینه و اتخاذ تدابیری که کارگران شاغل در هر یک از کارگاهها و صنوف مختلف بتوانند تشکل کارگری خود را تشکیل دهند.
- 4- ایجاد زمینه و اتخاذ تدابیری که مجموع تشکلهای کارگری کارگاهی و صنفی در هر یک از بخش‌های کارگری بتوانند تشکل فراگیر مربوط به بخش خاص خود را در سطح شهرها، استانها و عالی کشوری تشکیل دهند.
- 5- ایجاد زمینه و اتخاذ تدابیری که تشکلهای فراگیر مربوط به هر یک از بخش‌های کارگری در شهرستانها و استانها و کشور، به تنهایی همان بخش از کارگران را نمایندگی کنند و در مسایل مربوط به کسانی دخالت نمایند که از آنها رای و نمایندگی دارند و در برابر آنها مسوول و پاسخگو هستند.

6- ایجاد زمینه و اتخاذ تدابیری که کلیه کارگران را در شهرستانها، استانها، سطح عالی و کلان، مراجع تصمیم‌گیری و قانونی گروهی مرکب از نمایندگان تشکلهای فراگیر در بخش‌های مختلف کاری با سهم و امکانات و حقوق برابر و مساوی نمایندگی کنند. توکلی تأکید کرد: در هر زمینه‌ای متولی و منتقد داریم، اما گویا کارگران فراموش شده‌ترین اقشار کشور هستند و هیچکس خود را حامی و متولی این قشر زحمتکش نمی‌داند.
پایان پیام

